

مقدمه

اتخاذ سیاست های کیفری موثر چه در مرحله کشف و اثبات جرم و چه در مراحل مجازات و بازپروری محاکمه، باید بر این اصل استوار باشد که اصلاح مجرم بر انتقام از او ارجحیت داشته باشد و قاضی در جایگاه اصلی خود به عنوان یک طبیب اجتماعی اعمال وظیفه نماید. در واقع از آنجایی که عوامل مختلفی در ظهور و بروز پدیده مجرمانه دخالت دارند، اعمال تنبیه و مجازات به تنها یکی کافی نبوده و باید مناسب با ریشه های وقوع جرایم، تمهداتی نیز جهت مهار آنها اندیشیده شود. بر این اساس پیش گیری از وقوع جرم تمامی تدبیری را در بر می کیرد که از طریق ریشه یابی عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، منجر به کاهش عوامل جرم زا می گردد.

بدیهی است ترویج باورهای دینی و نیز ارتقای دانش حقوقی مردم، نقش بسزایی در برخورد با آسیب های اجتماعی دارد چرا که با رشد عقل جمعی بسترها متناسبی برای تعامل مجموعه نهادهای دولتی و مردمی به وجود خواهد آمد و همین امر موجب خواهد شد که کیفیت عکس العمل های عمومی در مقابل جرایم تغییر یابد.

با این توصیف افزایش سطح آکاهی های عمومی مخصوصاً جوانان که در معرض آسیب پذیری بیشتری قرار دارند، در کنار توسعه و گسترش برنامه های تربیتی و تعمیق آموزش های وسائل جمعی موجب تقویت و ترغیب افراد جامعه به اصول اخلاقی خواهد گردید.

در راستای موارد عنوان شده، کتابچه هایی در موضوعات مختلف حقوقی تهیه گردیده که نمونه ای از آن در پیش روی شما قرار دارد. محتوای این کتابچه ها، برگرفته از موضوعاتی است که اعضاي محترم شوراهای حل اختلاف و نیز شهروندان و مراجعین به دادگستری های سراسر کشور بیشتر با آنها مواجه اند.

این مجموعه دنباله سلسله متون آموزشی است که تحت عنوان "حقوق به زبان ساده" ، در قالبی کاربردی توسط اداره کل آموزش های مردمی معاونت آموزش قوه قضائیه تدوین گردیده تا با بالابردن سطح دانش حقوقی مردم، نقشی هرچند انک در شکل دادن به تعاملات روزمره هموطنان بر اساس چارچوب های حقوقی و نتیجتاً تضمین سلامت روانی آنان داشته باشد.

پر واضح است که ارتقای دانش حقوقی شهروندان نه تنها در شکل دادن روابط حقوقی آنها موثر بوده و از دامنه اختلافات خواهد کاست، بلکه در صورت مراجعت آنها به دستگاه قضائی، با دلالت آنان

به مبادی و مصادر صحیح، زمان اعمال دادرسی را کاهش داده و دسترسی به عدالت را تسهیل خواهد نمود. همچنین آشنایی مردم با حقوق و تکالیف قانونی، می تواند به نوبه خود در پیش گیری از وقوع جرایم نقش موثری داشته و در نهایت با کاهش حجم پرونده های مطروحه، موجب عرضه بهتر خدمات قضایی شود.

اگر چه برای وصول به اهداف مذکور راه درازی در پیش است و در این راه بهره گیری از عناصر و عوامل دیگر نیز لازم می باشد، لیکن پر واضح است که ادامه چنین روندی می تواند به تقویت روحیه خوداتکایی و تقلیل بروکاراسی منجر شود و به رشد و بالندگی جامعه پویا و در حال تکامل ما ستاب بیشتری بخشد.

در پایان شایسته است از تشریک مساعی دفتر برنامه عمران سازمان ملل متحد (UNDP) نیز تقدیر به عمل آید. امید است که با تعمیق همکاری ها در مسیر توسعه ای پایدار، در این راه گام های بلندتری برداشته شود.

در این خصوص انتظار می رود با مساعدت همکاران محترم قضایی، استادان دانشگاه و کلیه حقوق دانان و نهادهای مدنی، در آینده ای نه چندان دور شاهد رشد کمی و کیفی خدمات ارایه شده باشیم و با عرضه این قبیل منابع در روابط عمومی وزارت خانه ها، دفترهای ارشاد و معاضدت قضایی، فرهنگسراهها و دفترهای مددکاری اجتماعی در سراسر کشور، در نهایت شاهد تحولی چشمگیر در روابط و مناسبات اجتماعی باشیم.

**معاونت آموزش قوه قضائیه
اداره کل آموزش های مردمی**

آنلاین با اصطلاحات حقوق کیفری



اشاره:

معمولًا شهروندان محترم با اصطلاحات تخصصی حقوقی آشنایی کامل ندارند و این یک امر طبیعی است اما در زندگی روزمره و نیز روابط پیچیده اجتماعی، افراد ناگزیر روزی سر از مراجع قضایی در می آورند تا امورشان حل و فصل شود. از طرفی پس از رسیدگی به دعاوی در دادگاه ها، رأی صادر می شود. در این آرا خواندنده به اصطلاحات، واژه ها و عباراتی بر می خورد که یا معنی آنها را نمی داند یا آنکه تصور دیگری از آن عبارت یا واژه در ذهن دارد که برخلاف تصور اوست.

برای آشنایی هر چه بیشتر خوانندگان، به توضیح برخی از این اصطلاحات می پردازیم:

جرائم: هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی تعیین شده باشد، جرم محسوب می شود. به عنوان مثال، عمل کلاهبرداری که بردن مال دیگری به نحو متقابله می باشد، جرم است (فعل) یا خودداری از کمک به مصدوم علیرغم امکان کمک رسانی به او توسط راننده، جرم محسوب می شود (ترک عمل).

مجازات: پاداش و پاسخ قانونی جامعه به مجرم در مقابل عمل مجرمانه اش، مجازات نامیده می شود. اعمال مجازات منجر به اصلاح جرم خواهد شد و باعث می شود که او از این پس به توقافات اجتماعی احترام بگذارد. این مجازات ها در نظام کیفری کشور ما عبارتند از: حدود- قصاص- دیات- تعزیرات- مجازات های بازدارنده.

حد: به مجازاتی گفته می شود که نوع میزان و کیفیت آن در شرع تعیین

شده است. برای مثال مجازات شراب خواری برای مرتبه اول ۸۰ ضربه تازیانه است یا حد زنای با محارم قتل است. در این گونه موارد در صورت اثبات جرم، قاضی نمی تواند در نوع و میزان مجازات تغییری دهد.

قصاص: به مجازاتی گفته می شود که مجرم به واسطه ارتکاب قتل یا آسیب بدنی عمدى تحمل می کند و باید با عمل مجرمانه او برابر باشد. برای مثال اگر کسی مرتکب قتل عمدى شود، مجازات عمل او اعدام است و همانطور که جان دیگری را گرفته، جان خود را نیز از دست خواهد داد. البته صاحب خون یا ولی دم می تواند از حق قصاص گذشت کند.

دیه: مالی است که به سبب ارتکاب جرم نسبت به تمامیت جسمانی یا اعضاي صدمه دیده، از طرف مجرم پرداخت می شود. برای مثال دیه شکستن استخوان ران پای یک مرد که ببیود پیدا کند، معادل بهای هشت نفر شتر است.

تعزیر: مجازاتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نگردیده و به نظر قاضی و اگذار شده است مانند حبس یا جزای نقدی. باید توجه داشت که در کشور ما جرایم تعزیری مطابق اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها در قانون آمده و قاضی تنها در حدود مجازات های تعريف شده قادر به اعمال مجازات است. برای مثال مجازات جرم خیانت در امانت مطابق ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی سه تا پنج یا اشش سال حبس است.

مجازات بازدارنده: مجازاتی است که از طرف حکومت با هدف حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظمات حکومتی تعیین می شود مانند تعطیل محل کسب و لغو پروانه، البته مرز بین این دسته جرایم و جرائم تعزیری به خوبی تعیین نشده و بین اهل فن نیز اختلاف نظر وجود دارد.

توضیح: در جرایم عمدى تعزیری یا بازدارنده، دادگاه می تواند به عنوان تکمیل مجازات، مجرم را از حقوق اجتماعی یا از اقامات در نقطه یا نقاط معین منوع کند یا او را به اقامات در محل معینی مجبور نماید.

اقدامات تأمینی و تربیتی: به تدبیری گفته می شود که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم درباره مجرمین خطرناک اتخاذ می کند. (مجرمین خطرناک به اشخاصی گفته می شود که سوابق روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب جرم و جرم ارتکابی شان، آنان را در مظان ارتکاب به جرم در آینده قرار دهد). این اقدامات هنگامی اعمال می شوند که کسی مرتکب جرم شده باشد. برای مثال اقداماتی چون نگهداری مجرمین دیوانه در تیمارستان و مجرمین ولگرد در کارگاه های کشاورزی و صنعتی.

بزه فحاشی از جمله جرایم قابل گذشت می باشد. اعلام گذشت باید صریح بدون قید شرط باشد. برای نمونه اگر فردی به عنوان ارتکاب بزه ترک اتفاق شکایت کرده باشد و بعد از مدتی (قبل از صدور حکم) اعلام گذشت کند، متن اعلام رضایت می تواند چنین باشد:

ریاست محترم دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان ...
با سلام
احتراماً اینجانب فرزند درخصوص شکایت خود علیه آقای دایر بر جرم ترک اتفاق منجزاً بدون هیچ قید و شرطی اعلام رضایت می کنم.

امضاء

تعدادی از جرایمی که قابل گذشت هستند:

توهین به اشخاص عادی از قبیل فحاشی و به کاربردن واژه های رکیک، اذیت و آزار زن حامله که منجر به سقط جنین شود، امتناع از سپردن طفل به اشخاصی که قانوناً حق مطالبه او را دارند، ترک اتفاق، افشاء سر، تهدید و اکراه، کشتن حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری بدون ضرورت، تلف کردن یا سوزاندن اسناد یا اوراق تجاری یا غیرتجاری غیر دولتی، تخریب نخاستن ای تاکستان یا باغ میوه دیگری، قطع درخت خرمای دیگری بدون مجوز، تصرف عدوانی، تصرف ملک دیگری با قهر و غلبه، ورود به عنف به منزل یا مسکن دیگری، افترا به توهین و هتك حرمت و نشر اکاذیب.

جرائم غیر قابل گذشت:

اما بر عکس، جرایم غیرقابل گذشت جرایمی اند که تعقیب آنها نیاز به شکایت شاکی خصوصی ندارد و اگر شاکی نیز اعلام رضایت کند، مراجع قضایی نمی توانند به استناد رضایت شاکی امر تعقیب و محکمه و اجرای حکم را متوقف کنند.

برای نمونه بزه هایی چون خیانت در امانت، کلاهبرداری، قتل عمدی و سرقت از جمله بزه هایی غیر قابل گذشت هستند.

سوال: در جرایم غیر قابل گذشت رضایت شاکی چه تأثیری دارد؟

جواب: در جرایم غیر قابل گذشت رضایت شاکی می تواند از مواردی باشد که دادگاه مجازات متهمن را تخفیف دهد (ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی) و اگر بعد از صدور حکم قطعی شاکی اعلام رضایت کند، دادگاه پس از درخواست محاکمه، در مجازات مقرر تجدید نظر کرده و آن را کاهش می دهد.

تخفیف و تبدیل مجازات: دادگاه می تواند تحت شرایطی مجازات های بازدارنده یا تعزیری را تخفیف داده یا تبدیل به نوع دیگری کند تا اعمال مجازات به حال مجرم مناسب تر باشد. برای مثال شخصی با انگیزه شرافتمدانه یا نیت رفع گرسنگی کودک بی سرپرستی مرتكب سرقت مواد غذایی می شود. در این حالت دادگاه می تواند به جای حبس یا شلاق، مجازات او را به جزای نقی تبدیل کند یا مدت حبس او را کاهش دهد. اما جهاتی که به دادگاه اجازه می دهد تا این حق خود برای تخفیف یا تبدیل مجازات استفاده کند عبارتند از:

۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم غیر قابل گذشت مثل سرقت، کلاهبرداری.

۲- اظهارات و راهنمایی های متهم برای شناختن شرکا و معاونین جرم یا کشف اشیایی که از جرم تحصیل شده است.

۳- وجود اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آنها مرتكب جرم شده باشد. مانند: رفتار و گفتار تحریک آمیز طرف مقابل یا وجود انگیزه شرافتمدانه در ارتکاب جرم.

۴- وضع خاص متهم یا سابقه او در جامعه.

۵- اعتراف متهم به ارتکاب جرم قبل از تعقیب در مراجع قضایی یا اقرار او در مرحله تحقیق که در کشف جرم موثر باشد.

۶- اقدام یا کوشش متهم با هدف تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن.

جرائم قابل گذشت و جرایم غیر قابل گذشت:

جرائم قابل گذشت:

اگر شاکی خصوصی (در جرایم قابل گذشت) پس از اعلام شکایت گذشت کند، تعقیب یا رسیدگی یا اجرای حکم متوقف می شود. برای مثال





آزادی مشروط زندانیان

اگر شخصی برای مرتبه اول به علت ارتکاب جرم به مجازات حبس محکوم شده باشد و نصف مدت مجازات را پشت سر گذارده باشد، دادگاهی که حکم قطعی محکومیت را درباره او صادر کرده می تواند تحت شرایطی برای باقی ایام حبس، حکم به آزادی آن شخص دهد. این شرایط عبارتند از:

۱- در مدت اجرای مجازات حبس در زندان از خود حسن اخلاق نشان بدهد.

۲- شرایط و اوضاع و احوال نشان دهد که وی دیگر مرتكب جرم نخواهد شد.

۳- زندانی تا حد امکان و در حد توانایی مالی اش ضرر و زیان مدعی خصوصی را بپردازد یا متعهد به پرداخت آن شود و اگر علاوه بر حبس به جزای نقی هم محکوم شده باشد آن را بپردازد یا با موافقت دادستان ترتیب پرداخت آن را فراهم کند.

- شرایط ذکر شده در بندهای اول و دوم باید به تأیید ریس زندان و قاضی ناظر زندان یا دادستان بررسد و شرط مذکور در بند سوم به تأیید قاضی مجری حکم بررسد.

- صدور حکم آزادی مشروط، موكول به پیشنهاد سازمان زندان ها و تأیید دادستان یا دادیار ناظر زندان است و مدت آزادی مشروط به تشخیص دادگاه کمتر از یک و بیشتر از پنج سال نیست.

- دادگاه مسابلی را که فرد محکوم باید در طی یک سال یا پنج سال رعایت کند در متن حکم می آورد. برای مثال دادگاه مقرر می دارد که محکوم

- باید توجه داشت که در جرایم قابل گذشت، اگر چند نفر شاکی وجود داشته باشد، تعقیب با شکایت هر یک از آنان صورت می گیرد ولی برای متوقف شدن تعقیب یا محکمه ای اجرای حکم، باید تمام شاکیان رضایت دهن. اگر شاکی فوت کند، این حق گذشت به ورثه او می رسد و چنانچه شاکی متوفی دارای چند وارث باشد، در این صورت موقوف شدن تعقیب یا محکمه یا اجرای حکم، موكول به اعلام رضایت همه آنهاست. همچنین باید توجه داشت که اگر بعد از اعلام رضایت، شاکی از رضایت خود منصرف شود، به آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.

تعليق اجرای مجازات

تعليق اجرای مجازات جزیی از سیاست کیفری است که بر طبق آن قانونگذار به دادگاه اجازه داده تا در محکومیت های تعزیری یا بازدارنده، قادر باشد تحت شرایطی اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را بین دو تا پنج سال معلق کند.

دادگاه می تواند با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی مجرم و اوضاع و احوالی که به موجب آن او مرتكب جرم شده و همچنین نوع جرم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را مناسب نداند و با استفاده از نهاد تعقیب، مجرم را برای دوباره اجتماعی شدن و اصلاح و بازگشت به جامعه آماده کند.

اگر مجرمی که مجازات او معلق شده در مدت تعقیب بدون عذر موجه از دستورات دادگاه پیروی نکن، برای بار اول به مدت تعقیل او یک تا دو سال افزوده می شود و در مرتبه دوم حکم تعليقی لغو و مجازات معلق به اجرا در خواهد آمد. اگر در ایام تعليق آن شخص مرتكب جرایمی شود که مجازات آن حد یا حبس بیش از یک سال در جرایم عمده یا جزائی نقدي بیش از دو میلیون ریال باشد و پس از محکمه به مجازات های مذبور محکوم شود، به محض قطعی شدن، حکم تعليقی نیز درباره او اجرا خواهد شد.

تعليق اجرای مجازات، تأثیری در حق شاکی خصوصی ندارد و مجرم باید خسارت وارد کند و این خصوصی بپردازد.

اگر شخصی مرتكب جرایم زیر شود، نمی تواند از این مزیت قانونی برخوردار شود و به بیان دیگر جرایم زیر قابل تعليق نیستند:

۱- وارد کردن یا ساختن یا فروش مواد مخدوش.

۲- اختلاس، ارتضا، کلاهبردای، خیانت در امانت، سرقت، آدم ربایی و جعل و استفاده از سند مجعلی یا همکاری و معاونت در انجام این جرایم.

۳- ارتکاب جرایم عمده متعدد. مثل اینکه شخصی مرتكب صدور چک بلا محل و تصرف عدوانی شود.



جرائم به واسطه عمل همه آنها باشد (خواه عمل آنها با یکدیگر مساوی باشد یا خیر)، شریک در جرم محسوب می‌شوند و مجازات او مانند مجازات کسی است که شخصاً مرتكب جرم شده باشد. گرچه دادگاه می‌تواند با توجه به تأثیر مداخله و نقش او مجازات متناسبی برای وی در نظر بگیرد. برای مثال: دو نفر با هم مرتكب جعل سند می‌شوند.

اما معاون جرم شخصی است که در عملیات اجرایی جرم دخالت ندارد ولی با انجام کارهایی مانند تحریک، ترغیب، تطمیع و ... کردن دیگری زمینه ارتکاب جرم را فراهم می‌کند. اعمال زیر به شرط آنکه با علم و آگاهی قبل از ارتکاب به جرم اصلی یا هم زمان با آن وقوع یابد، معاونت در جرم محسوب می‌شود:

۱- تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع دیگری برای ارتکاب جرم یا فراهم کردن شرایط وقوع جرم با دسیسه، فربی و نیرنگ.

۲- تهیه و سلیه ارتکاب جرم یا ارایه طریق برای ارتکاب جرم.
۳- فراهم کردن شرایط تسهیل وقوع جرم.

برای مثال شخصی دیگری را برای کلاهبرداری تحریک می‌کند و وسائل ارتکاب این جرم را نیز در اختیار او قرار می‌دهد. به این شخص، "معاون جرم کلاهبرداری" گفته می‌شود.

پی نوشت:

۱- عاقله: بستگان ذکور نسبی پدر و مادر یا بستگان پدری به ترتیب طبقات ارث به نحوی که همه اشخاص که زمان فوت می‌توانند از طفل ارث ببرند به طور مساوی عهده دار پرداخت دیه هستند.

حق ندارد در فلان محل سکونت کند یا به فلان شغل اشتغال ورزد. تخلف از این شرایط موجب می‌شود تا محکوم مجدداً به زندان بازگردد.

مسوّلیت کیفری اطفال و مجانین

- طفل به کسی گفته می‌شود که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد و بلوغ شرعی برای پسر ۱۵ سال و دختر نه سال می‌باشد.

طفل در صورت ارتکاب جرم فاقد مسوّلیت کیفری است و تربیت او با نظر دادگاه به عهده سرپرست قانونی اش می‌باشد. اگر دادگاه تشخیص دهد که سرپرست قانونی طفل قادر به این مهم نیست یا طفل فاقد سرپرست است، او را به کانون اصلاح و تربیت می‌سپارد.

اگر طفل مرتكب قتل یا ضرب و جرح شود، عاقله^۱ مسوّلیت دارد. اما اگر طفل به اموال فرد دیگری آسیب برساند، خودش مسوّلیت دارد و خسارت باید از اموال او پرداخت شود.

- دیوانگی یا جنون به هر درجه که باشد، سبب خواهد شد تا مجنون در قبال ارتکاب عمل مجرمانه فاقد مسوّلیت کیفری باشد.

جنون بر دو نوع است: دائمی و دوره‌ای.

اگر جنون ادواری یا دوره‌ای باشد، هنگامی مسوّلیت کیفری متوجه شخص می‌شود که مرتكب در زمان انجام عمل مجرمانه مجنون باشد و الا با او مانند فرد عادی رفتار می‌شود. اگر مرتكب در حین ارتکاب به جرم مجنون باشد یا پس از ارتکاب جرم دچار جنون شود و جنون یا حالت خطرناک او برابر نظر متخصص ثابت شود، به دستور دادستان تارفع حالت خطرناک در محل مناسب که معمولاً تیمارستان است نگهداری خواهد شد.

اگر جرم پس از محکومیت دچار جنون شود، تا زمان ببهودی در بیمارستان روانی نگهداری می‌شود و این مدت جزو محکومیت او محسوب می‌گردد. البته باید توجه داشت که اگر محکومیت او به جرایم، "حدی" باشد، و جنون پس از صدور حکم محکومیت به وجود آمده باشد، مانع از اجرای حد نیست. پس اگر شخصی مرتكب شراب خواری شده و به حکم دادگاه محکوم به ۸۰ ضربه تازیانه گردد و پس از صدور حکم دچار جنون شود، این امر مانع از اجرای شلاق نیست.

تعاونت و مشارکت در جرم

معمولًاً جرایم مهمی مثل سرقت و کلاهبرداری، اختلاس و ... که با همدستی چند نفر صورت می‌گیرد، حسب مورد تحت عنوان معاونت و مشارکت در جرم قابل بررسی است. هر گاه شخصی با علم و آگاهی با شخص یا اشخاص دیگر در جرایم تعزیری یا بازدارنده مشارکت کند و

نمی توانند در این مورد به یک صورت عمل نمایند اما رعایت برخی از نکات توسط ارباب رجوع در مراجعة به نهادهای دولتی موجب می شود که حداقل سیر اداری پرونده های آنها دچار تأخیر یا توقف نگردد. لذا بنا داریم تا به برخی از موارد در مراجعة به دادسراها یا دادگاهها اشاره کنیم که عمل به آنها می تواند بر سرعت انجام امور مراجعین تاثیر مثبت بگذارد.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

سعی نمایید از هر اطاقی به عنوان اطلاعات استفاده نکنید. این کار ممکن است موجب زحمت کارمندان شود و آنگاه با این جمله روپرتو شوید: "اینجا اطلاعات نیست". بنابر این به محل اطلاعات رجوع کنید و اگر چنین جایی وجود نداشت، به دفتر کل مراجعة کنید.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

با کارمندان پرخاش و تندی نکنید. آنها هم از میان شما و همچون شما شهروند این جامعه هستند و دست تقدیر آنها را آنجا نشانده است و البته وظیفه دارند که به شما خدمت کنند. در صورت مواجه شدن با خستگی بیش از حد کارمند، کمی تامل کنید. سکوت کنید. به اندازه ای که از مشغله های دیگر رهایی یابد و آماده پذیرش شما شود.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

از کارمند فقط در حیطه توانایی هایش انتظار انجام کار داشته باشید. توقع از کارمند برای انجام کاری خارج از مسؤولیتش ممکن است موجب توقف سیر اداری پرونده شما گردد.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

به اعتبار احترام قاضی در مسند قضاؤت بدون اجازه وارد اتاق نشود. صحبت های طرف دیگر دعوا را قطع نکنید و بدون اجازه قاضی صحبت نکنید. وقتی که اجازه صحبت یافته در محضر قاضی و حتی در جاهای دیگر سعی کنید به طرف دعوا جسارت نکنید. تنها ادعا یا دفاع خود را مطرح کنید.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

سعی نمایید درب اتاق قاضی را نیمه باز نگذارید و از شکاف درب به داخل اتاق نگاه نکنید. در کنار درب اتاق قاضی ازدحام نکنید. این کار موجب می شود قاضی تمرکزش را از دست بدهد و برای قضاؤت بی طرفانه دچار زحمت گردد.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

با علامت و اشاره چشم یا سر منشی دادگاه یا دادسرا را به بیرون فرانخوانید.



اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید...

اشاره ۵:

آیا در بین فامیل، دوستان و آشنایان خود کسی را می شناسید که در ارتباط با دیگران موفق تر عمل کند؟ منظور کسی است که در اصطلاح از روابط عمومی بالایی برخوردار است. معمولاً چنین فردی با شناخت نقاط ضعف طرف مقابل و برجسته کردن آنها او را مجذوب کلام و رفتارش می نماید یا اینکه با وارونه نشان دادن نقاط ضعف مخاطب خود نوعی حس اعتماد به نفس و خود بزرگ بینی را در او تقویت کرده و از این طریق به مقصد خود نایل می گردد. استفاده صحیح از کلمات و رفتار بجا و منطقی از خصوصیات عمدۀ این افراد به شمار می رود. اهمیت این موضوع تا به آنچاست که وقتی قصد داریم به یک اداره یا سازمان دولتی یا خصوصی مراجעה کنیم از چنین شخصی می خواهیم که ما را همراهی کند تا این طریق بتوانیم کارهایمان را در آن اداره سریع تر به انجام برسانیم. حتی در این زمینه کتاب ها و مقالات بسیاری منتشر شده تا همه بتوانند با بهره برداری از دستور العمل های آنها در ارتباط با اطرافیان خود موفق تر عمل کنند. البته به دلیل وجود تفاوت های اخلاقی و رفتاری بین اشخاص، همگی

بعضی از صحنه ها در طول روز او را ناراحت کند.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

مباراً این گونه کار کنید یا تتجه بگیرید که رجز خوانی های طرف مقابل از نظر قاضی صحت دارد. این نتیجه گیری فقط یک خطای ذهنی است و شما را از دفاع هوشمندانه غافل می کند.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

تلفن همراه خود را در اتاق قاضی یا کارمند اداری خاموش نگه دارید. اگر فراموش کردید این کار را انجام دهید و همراه شما زنگ زد، بهترین کار آن است که به طور موقت آن را خاموش کنید. سعی کنید در حضور قاضی با تلفن همراه خود صحبت نکنید تا احترام مسند قضاویت حفظ شود.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

تا حد امکان سلام یا پیغام کسی را به قاضی نرسانید. چنانچه به قاضی وانمود کنید که با مسؤولی ارتباط دارید، به طور قطع در ذهن او بازتاب منفی ایجاد خواهد شد ولو این که شما آن را احساس نکنید.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

رفتن به آنجا را "عیب" ندانید. مراجعته به نزد قاضی یا برای گرفتن حق است یا دفاع از خود یا برای شهادت دادن. هر یک از این سه مورد نه تنها ناپسند نیست، بلکه امری قابل ستایش نیز می باشد. در واقع در این فرآیند، تنها کسی باید شرمنده باشد که جرمی مرتكب شده باشد.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

ممکن است مراجعته شما برای پاسخگویی به ادعایی باشد که علیه شما مطرح شده است. پر واضح است که قاضی بلافضله بعد از طرح ادعا برعلیه شما، مواخذه تان خواهد کرد، بلکه از طرف مقابل خواهد خواست برای ادعای خود دلیل و مدرک ارایه دهد. سپس آن را با شما مطرح خواهد کرد و پاسخ شما را خواهد شنید.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

چنانچه این مراجعته شما برای بیان شهادت و گواهی باشد، قاضی حسب مورد بدون حضور دو طرف اختلاف، اظهارات شما را خواهد شنید و شما نیز می توانید بدون واهمه از حضور آنها واقعیت را بیان نمایید. همواره این فرمایش مولای متقیان علی (ع) را به خاطر داشته باشید که می فرمایند: "همیشه حقیقت را بر زبان آورید حتی اگر به زیان خود شما باشد."

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

برای رساندن نامه خود به دست قاضی ضرورتی به مراجعته نزد مقام

این عمل قاضی را به شدت ناراحت می کند و حق هم دارد. ما باید با یکدیگر با احترام برخورد کنیم. علامت و اشاره در شان ارباب رجوع و کارمندان اداری که خدمتگذار مردمند نمی باشد. راه حل این است که در بزند از قاضی اجازه بگیرید و بفرمایید با منشی او کار دارید. به طور قطع قاضی با احترام به شما اجازه خواهد داد کنار میز منشی بشینید و با او صحبت کنید و البته اگر قاضی جلسه ای داشت صبر کنید و پس از اتمام جلسه از او اجازه بگیرید تا وارد شوید.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

هرگز به دنبال شناسایی اقوام و بستگان قاضی نباشید تا از آن طریق حرف خود را به گوش قاضی برسانید. چرا که این کار باعث زحمت شما و بستگان قاضی خواهد شد.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

به رجز خوانی های طرف دیگر دعوا توجه نکنید. رجز خوانی یکی از آینه های جنگ برای مروعه کردن حریف مقابل است. اختلاف بین شما و طرف دیگر در واقع نوعی جنگ است، اما جنگی غیر مشابه با جنگ های متداول.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

مراجعته به قاضی یا کارمند در داخل سالن و سوال در مورد پرونده تان از خودداری کنید. این عمل باعث سوء تقاضه خواهد شد. هرگاه قاضی یا کارمند به اتاق خود برگشت، به نحوی که بیان شد، بالاجازه وارد اتاق شوید.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

بدانید هر اقدام قاضی مبنی و دلیل قانونی دارد و او چنین فرصتی ندارد که آین قضاویت خود را برای شما بازگو کند. در این مورد می توانید با وکیل یا مشاور حقوقی خود مشورت کنید.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

پای صحبت کسانی مشینید که برای شما فلسفه بافی کرده یا از رفتار، برخورد و نحوه کار قاضی با شما صحبت کنند. چرا که این کار باعث می شود در ذهن شما یک پیش زمینه منفی نسبت به کار قاضی به وجود بیاید و این اولین گام شکست شماماست.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

در نظر داشته باشید که هر چند قاضی بسیار صبور است اما ممکن است قبل از حضور شما صحنه ای یا برخوردی او را ناراحت و عصبانی کرده باشد. اگر با چنین حالتی رو برو شدید مدتی سکوت کنید یا از او بخواهید در فرصتی دیگر به نزد او بروید. قاضی هم یک انسان است و ممکن است

موفق او وجود ندارد چرا که آن مقام، کار خارق العاده ای انجام نخواهد داد، بلکه از قاضی خواهد خواست طبق مقررات عمل کند.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

به خاطر داشته باشید ادای سوگند ضوابط و مقررات خاصی ندارد. به عبارت دیگر اگر فردی به جان خود و خویشاوندان خود قسم بخورد، قاضی به او بیشتر توجه نخواهد کرد. بدیهی است اگر تحت شرایطی قاضی "مورد" را شایسته قسم دید، از فرد مورد نظر خواهد خواست سوگند یاد کند.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

در نظر داشته باشید که قاضی برای رسیدگی به پرونده، فقط از دستورات قانون تبعیت می کند بنابراین آنچه را که قانون به او اجازه داده انجام می دهد. پس طبعاً نمی تواند هر آنچه را که از او درخواست می شود اجابت کند.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

ممکن است در سالان انتظار به فرد یا افرادی برخورد نماید که به جای راهنمایی قانونی، وانمود کنند می توانند از راه های مختلف، مشکل شما را حل کنند. به آنها اعتماد نکنید چرا که آنان افرادی هستند که تنها به منافع خود می اندیشند.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

در سالان انتظار با دیگران درد دل نکنید. ممکن است دیگری از اطلاعاتی که از طریق شما به دست می آورد خدای ناکرده سوء استفاده نماید.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

ممکن است نتیجه رسیدگی به پرونده بین شما و طرف مقابل، به ضرر



شما باشد. بحث و جدل در این مورد بی فایده خواهد بود. ضمن آنکه دو طرف دعوا طبق قانون حق دارند به حکم قاضی اعتراض کنند. در این مورد آنان می توانند با وکیل یا مشاور حقوقی خود مشورت نمایند. چنانچه خوانندگان گرامی در این خصوص نیازمند مشاوره باشند، می توانند از خدمات مشاورین حقوقی مجله استقاده نمایند.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

چنانچه به حق خود رسیدید، نیازی به تقدیر از قاضی نیست، زیرا احراق حق وظیفه‌ی یک قاضی است و همین که حق مظلوم را باز پس گیرد، بهترین هدیه برای اوست.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

ممکن است پس از صحبت با قاضی احساس نمایید فرصت بیان تمام حرف های خود را پیدا نکرده اید. در این صورت، جای نگرانی نیست. می توانید مطالب خود را بعداً در نامه ای نوشته، پس از امضا به قاضی تسلیم کنید. او قطعاً در همان لحظه یا در فرصت مناسبی آن را خواهد خواند و مطالب مکتوب شما توجه خواهد کرد.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

ممکن است قاضی پرونده را به طور تصادفی در همان محل اقامت شما سکونت داشته باشد یا اینکه در همان مدرسه یا دانشگاه سابق شما تحصیل می کرده است. پر واضح است که در اینگونه موارد، خطاب کردن او به اسم کوچک در محل کارش پسندیده خواهد بود. این امر در مورد کارمندان داسرا یا دادگاه نیز صدق می کند. شاید درخواست مراجعه کننده از وی برای رتق و فتق امور قضایی به دلیل سابقه آشنایی قبلی، چندان خواشید او نباشد.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

حتماً شماره پرونده خود را همراه ببرید و اگر برای اولین بار به دادگاه یا دادسرا می روید شماره پرونده خود را بگیرید تا در مراجعات بعدی همراهتان باشد. زیرا بدون ارایه شماره، پیدا کردن پرونده شما غیر ممکن یا بسیار مشکل خواهد بود.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

از تصمیمات قاضی هر چند به ضرر شما باشد، تفسیر منفی نکنید. از این طریق می توانید به او کمک کنید تا با آرامش بیشتر و به دور از دغدغه های فکری به اعتراضات رسیدگی نماید.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

شایسته خواهد بود که تقاضا و درخواست خود را تنها در زمانی که با

موعد مقرر به دادگاه مراجعه کنید، ممکن است زمان رسیدگی به پرونده دیگری افراد رسیده باشد و تبعاً قاضی نخواهد توانست نوبت آن پرونده را به پرونده شما اختصاص دهد.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

ممکن است قاضی به بعضی از پرونده ها وقت خارج از نوبت بدهد. اگر می خواهید بدانید که آیا پرونده شما هم می تواند از جمله چنین پرونده هایی باشد، با وکیل یا مشاور حقوقی خود مشورت نمایید یا اینکه منتظر مطالب مادر شماره های بعدی باشید.

قاضی جلسه ای دارد مطرح نمایید و بالعکس، در موقع دیگر درخواست خود را به صورت کتبی به دفتر قاضی تسلیم نمایید.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

چنانچه سیر رسیدگی به پرونده های شما طولانی شد، در نظر داشته باشید که در بسیاری از موارد، رسیدگی های طولانی به علت عدم دریافت پاسخ نامه هایی است که قاضی به مراجع دیگر نوشته است. مثلاً از کارشناس خواسته است در خصوص موضوع نظر دهد، اما کارشناس و تهیه نظریه مدنی طول کشیده یا پژوهشی قانونی در ضرب و جرح برای اعلام نظریه قطعی زمان دیگری تعیین کرده است. در چنین مواردی، او تا زمان دریافت نظریه نمی تواند رای بدهد.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

به خاطر داشته باشید شهادت بستگانتان به عنوان شاهد و دلیل اثبات ادعا، چندان نمی تواند معتبر باشد، مگر در مواردی که قاضی شنیدن اظهارات آنها را لازم بداند. بنابراین از به همراه بردن بستگان خود به مراجع قضایی بدون درخواست قاضی، خودداری نمایید.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

در نظر داشته باشید که مقامات قضایی دادسرا عبارتند از: دادستان - معاون دادستان - بازپرس و دادیار و مقامات قضایی دادگاه هم عبارتند از: رئیس دادگاه - دادرس دادگاه - مستشار یا مشاور دادگاه بنابر این اگر عنوان دقیق مقام قضایی را نمی دانید او را "جناب قاضی" خطاب کنید.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

چنانچه خواستید علیه شخصی شکایت کنید می بایست دلیل و مدرکی دال بر صحبت ادعای شما وجود داشته باشد در غیر اینصورت، قاضی نمی تواند از حق و ادعایی که دلیل و مدرک ندارد حمایت کند.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

این تصور پیش نیاید که مختومه شدن یک پرونده دلیلی برای اتمام امور مربوط به آن پرونده است. به عنوان مثال در شکایت علیه دیگری مبنی بر ندادن بدھی، قاضی دادسرا پرونده را مختومه خواهد کرد اما این کار، موجب فسخ مطالبه ای طرف دعوا نخواهد شد بلکه برای پرداخت بدھی به طرف طلبکار، می باید تشریفات دیگری رعایت شود و می باید به قاضی دیگری که مسؤول این کار است مراجعته شود.

اگر به دادسرا یا دادگاه رفتید،

حضور سر وقت در دادگاه را بسیار مهم بشمارید زیرا اگر مدتی بعد از



اقامه دعوی کیفری

- شروع به تعقیب

- تنظیم شکوائیه و سیر آن

مقدمه

پس از وقوع جرم و مشخص شدن دادگاه یا دادسرای صلاحیت دار می باشد تعقیب جرم و متهم یا متهمین نیز آغاز شود لیکن شروع تعقیب و تحقیقات منوط به تحقق شرایطی است که در این راهنمایی به صورت ساده و مختصر به آنها خواهیم پرداخت.

۱- داشتن اهلیت

در جرایمی که تعقیب آن منوط به شکایت شخص زیان دیده از جرم است، شخص باید اهلیت داشته باشد. در قوانین ایران ملاک اهلیت سن ۹ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران می باشد، ولی با توجه به اینکه سن رشد در زن و مرد ۱۸ سال می باشد معمولاً رویه عملی دادگاه ها نیز همان ۱۸ سال می باشد. در صورتی که متضرر از جرم بعلت صغر سن اهلیت نداشته باشد، شکایت مربوطه می باشد توسط ولی یا قیم وی بعمل آید.

۲- شکایت شاکی

جرائمی هستند که فقط با شکایت شاکی قابل تعقیب هستند و فاقد جنبه های عمومی هستند مانند جرم افتقاء، توهین و فحاشی و... در این

گونه جرایم بلافصله پس از تقدیم شکوائیه از طرف شاکی به دادسرا تعقیب و تحقیقات شروع می شود البته در تنظیم شکوائیه می بایست مواردی رعایت شود که در پایان این راهنمای بطور مفصل به آن اشاره خواهد شد.

۳- اعلام و اخبار ضابطین دادگستری

در جرایم عمومی و غیر قابل گذشت با اعلام و گزارش ضابطین دادگستری نیز تعقیب جرایم مربوطه آغاز خواهد شد. ضابطین دادگستری در حال حاضر همان مأمورین نیروی انتظامی هستند مضافاً اینکه براساس برخی قوانین خاص مأمورین دیگری مانند نیروهای مقاومت بسیج، پاسداران انقلاب اسلامی و... نیز بعنوان ضابطین دادگستری معرفی شده اند.

۴- اظهار و اقرار متهم

۵- جرایم مشهود

شکوائیه

شکوائیه را می توان در کاغذ معمولی تنظیم نموده احتیاجی به تهیه فرم خاصی نمی باشد. در تنظیم شکوائیه باید نکات ذیل رعایت شود:

- ۱- نام، نام خانوادگی، نام پدر و نشانی دقیق شاکی.
- ۲- موضوع شکایت با ذکر تاریخ و محل وقوع جرم.

موضوع شکایت همان عنوان جرمی است که اتفاق افتاده است که تاریخ آن و همچنین تاریخ ارایه شکوائیه نیز باید مشخص شود. محل وقوع جرم نیز می بایست حتماً قید شود چون از لحاظ تشخیص دادسرا یا دادگاه صلاحیت دار اهمیت دارد.

۳- ضرر و زیان مالی که به مدعی وارد شده و قابل مطالبه می باشد. ضرر و زیانی که در اثر واقع شدن جرم به مجنی^۱ علیه وارد شده می بایست در شکوائیه قید شود و بهتر است شاکی از دادگاه درخواست تأمین ضرر و زیان وفق ماده ۷۴ قانون آینین دادرسی کیفری بتهمه در هر حال تقديم دادخواست ضرر و زیان الزامی می باشد.

۴- مشخصات و نشانی مشتکی عنه (متهم) یا مظنون در صورت امکان در متن شکوائیه علاوه بر مشخصات و نشانی شاکی می بایست مشخصات و نشانی متهم یا مظنونین احتمالی نیز قید شود. چنانچه متهم نشانی مشخصی نداشته باشد نیز باید متواتری یا مجھول المکان بودن متهم یا متهمین در شکوائیه قید شود.

۵- ادله و اسامی و مشخصات و نشانی شهود و مطلعین در صورت امکان چنانچه در زمان وقوع جرم شاهد یا مطلع یا دلایل خاص و موثری داشته باشد باید در متن شکوائیه قید شود.



بهتر است جهت تسریع در امر تحقیقات استشهادیه ای نیز توسط شاهدان واقع تنظیم و پس از امضاء تصویر آن به ضمیمه شکوائیه به دادسرا تقدیم شود. پس از ثبت و ارجاع شکوائیه و انجام تحقیقات و احضار متهم و بازجویی های لازم توسط ضابطین دادگستری پرونده تکمیل و مجدداً در اختیار دادستان قرار می گیرد. دادستان پس از مطالعه پرونده می تواند شخصاً به آن رسیدگی کند یا اینکه آنرا به یکی از دادیاران یا بازپرس ارجاع دهد. دادیار یا بازپرس در صورتی که پرونده تکمیل باشد موضوع اتهام را به متهم تقهیم می نماید و سپس برای تضمین حضور به موقع او نزد مراجع قضایی از او تأمین متناسب اخذ می نماید^۲ در مورد چنین جرمی معمولاً این تأمین کفالت یا وثیقه می باشد. در صورتی که متهم نتواند کفیل معرفی نماید یا از معرفی وثیقه عاجز باشد به زندان اعزام می شود. پس از تکمیل پرونده و اخذ آخرین دفاع از متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، اگر دادیار یا بازپرس معتقد باشد متهم مرتكب جرم شده با صدور قرار مجرمیت نظر دادستان را کسب می نماید در صورت هم عقیده بودن دادستان با او، کیفرخواست صادر و از دادگاه جزایی صالح تقاضای اعمال مجازات می نماید. دادگاه مربوطه نیز پس از بررسی پرونده و استماع اظهارات شاکی و دفاعیات متهم حکم مقتضی درخصوص مجازات یا تبرئه متهم صادر می نماید.

پی نوشت:

- ۱- مجنی عليه: کسی که جرم بر او واقع شده است.
- ۲- انواع قراردادهای تأمین در بخش راهنمای حقوق شاکی توضیح داده شده است.

پس از درج موارد فوق الذکر و تکمیل شکوائیه، شاکی می باشد آنرا با قید تاریخ امضاء نموده و به دادسرا یا دادگاه های مربوطه ارائه نماید. دادسرا یا دادگاه فوق نیز با ارجاع شکوائیه به ضابطین دادگستری و انجام تحقیقات مربوطه و تکمیل آن پرونده را بررسی و حکم یا قرار مقتضی صادر خواهد نمود. ذیلاً یک نمونه پرونده فرضی و تنظیم و ارایه شکوائیه درخصوص جرم توهین و فحاشی جهت آگاهی کامل ارایه می گردد.

پرونده فرضی

آقای احمد گلستانی فرزند محمد در تاریخ ۱۴۸۲/۷/۱۰ با آقای حسن کیانی فرزند علی که با هم شریک تجاری بودند پس از پاره ای اختلافات مربوط به شرکت با یکدیگر در میدان خود تهران درگیری لفظی پیدا نموده و آقای کیانی در حضور چند نفر دیگر ا adam به فحاشی و توهین و بکار بردن الفاظ رکیک نیست به آقای گلستانی می نماید. و پس از چند دقیقه با وساطت اطرافیان از یکدیگر جدا می شوند.

آقای گلستانی که فرد محترمی می باشد برای احقيق حق خود و احیاء آبروی از دست رفته جهت مجازات نمودن آقای کیانی می باشد شکوائیه ای را به شرح ذیل تنظیم و به دادسرا می محل وقوع جرم که در فرض فوق دادسرا صادقیه می باشد ارایه نماید.

شکوائیه

بسمه تعالی

موضوع: جرم توهین و فحاشی

ریاست محترم دادسرا صادقیه

با سلام.

احتراماً به استحضار می رساند در تاریخ ۱۴۸۲/۷/۱۰ در محل (نشانی محل وقوع جرم) آقای حسن کیانی نسبت به اینجانب احمد گلستانی به نشانی ... با بکار بردن الفاظ توهین و فحاشی نموده اند. لذا از آن مقام محترم تقاضای تعقیب نامبرده و مجازات طبق مواد قانون مجازات اسلامی را دارم. ضمناً آقایان... را به عنوان شاهد موضوع فوق الذکر معرفی می نمایم که عندالذوم حاضر به شهادت نیز می باشند.

مشخصات و نشانی متهم
.....

تاریخ

امضاء

نحوه اقامه دعوى در دادسرا



مقدمه:

گاهی اوقات در جامعه اعمالی از سوی برخی افراد سرمی زند که نظم و امنیت اجتماع را بر هم زده و در برخی موارد، حقوق سایرین را تضییع می کند. از آنجایی که سیستم قضایی "حافظ منافع فردی و اجتماعی" است، در این گونه موارد دادسراها به نمایندگی از جامعه اقام به کشف جرم، تعقیب متهم و جمع آوری دلایل می نمایند تا حقوق متهم و اجتماع تامین و نظم و امنیت قضایی و اجتماعی حاصل گردد. اما این نهاد در حیطه وظایف خود، تنها به حمایت از آسیب دیدگان از جرم و حفظ و تأمین امنیت اجتماعی بسته نمی کند بلکه وظیفه دارد تا ضمن انجام امور فوق، از "متهم" نیز حمایت کرده و حقوق فردی و اجتماعی وی را تامین نماید.

درخصوص نحوه شروع و کیفیت تحقیقات در دادسراهای عمومی و انقلاب، مقرراتی وجود دارند که می بایست چه از طرف شاکی و چه از سوی متهم رعایت گردند. در این مختصر بنا داریم تا به این مقررات اشاره کنیم. آگاهی خوانندگان محترم نیز از این موارد، خالی از فایده نیست. پس با ما همراه باشید.

۱- شروع و کیفیت تحقیقات در دادسرا

دادسرا هیئتی است مرکب از دادستان، دادیار و بازپرس که به ریاست دادستان اداره می شود. وظیفه اصلی این هیئت، "تعقیب جنبه عمومی جرم" است. دادسرا برای تعقیب باید مطابق قانون عمل کند. جهات قانونی برای شروع به تحقیقات عبارتند از:

الف- شکایت شاکی

ب- اعلام و اخبار ضابطین دادگستری یا اشخاصی که از قولشان اطمینان حاصل شود.

ج- جرایم مشهود (در صورتی که قاضی ناظر وقوع جرم باشد).

د- اظهار و اقرار متهم

از این رو شروع به تحقیقات بدون رعایت جهات بالا، تحقیقاتی غیرقانونی و بدون مجوز محسوب می شود.

الف: شکایت

تمامی جرایم دارای جنبه عمومی اند و برخی جرایم علاوه بر جنبه عمومی، دارای جنبه خصوصی نیز می باشند. برای مثال، جرایم رانندگی بدون گواهی نامه یا حمل مشروب الکلی یا عبور غیرمجاز از مرز و ...، صرفاً جنبه عمومی دارند ولی جرایمی چون قتل عمدی، کلاهبرداری، سرقت و ...، علاوه بر جنبه عمومی دارای جنبه خصوصی نیز می باشند. در میان جرایمی که دارای جنبه عمومی و خصوصی با هم هستند، بنا به مصالحی چون مصالح اجتماعی، اقتصادی و ... که قانون تشخیص داده، جنبه خصوصی بعضی جرایم بر جنبه عمومی آنها برتری دارد. برای مثال جرم ترک انفاق یا فحاشی که در اصطلاح به آنها جرایم قابل گذشت می گویند، تعقیب و رسیدگی آن موكول به شکایت شاکی خصوصی است. در این مورد چنانچه متضرر از جرم شکایتی به عمل نیاورد، امر تعقیب صورت نمی کیرد و اگر شکایتی انجام گرفت ولی بعداً شاکی از آن صرف نظر کرد، تعقیب متوقف می ماند. حتی اگر رسیدگی نیز منجر به صدور حکم علیه متهم شود، با رضایت شاکی خصوصی، حکم و مجازات آن اجرا نخواهد شد.

با این اوصاف مطابق قانون، "طرح شکایت" برای شروع به رسیدگی کافی است و قاضی نمی تواند از رسیدگی به آن خودداری کند. قضات و ضابطین دادگستری موظفند که شکایت کننی یا شفاهی را همه وقت قبول نمایند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضا شاکی می رسد و اگر شاکی نتواند امضاء کند یا سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انتباخ شکایت شفاهی با مندرجات صورت- مجلس تصدیق می شود.

شاکی می تواند شخصا یا توسط وکیل شکایت کند و باید در شکوایه اش به موارد زیر اشاره کند:

الف- نام، نام خانوادگی، نام پدر و نشانی دقیق شاکی

ب- موضوع شکایت و ذکر تاریخ و محل وقوع جرم

ج- ضرر و زیان مالی که به شاکی وارد شده و مورد مطالبه است

د- مشخصات و نشانی کسی که از او شکایت دارد (در صورت امکان)

ه- دلایل و اسامی و مشخصات و نشانی گواهان (در صورت امکان)

چ- چنانچه شاکی نتواند متهم را معین کند یا دلایل اقامه شکایت او کافی

بناشد یا شاکی از شکایت خود صرف نظر کرده ولی موضوع از جرایم

غیرقابل گذشت باشد (مانند کلاهبرداری، سرقت، خیانت در امانت، مزاحمت

تلفی و ...)، قاضی تحقیقات لازم را انجام می دهد و امر تعقیب متوقف

نخواهد شد.

ب: اعلام و اخبار ضابطین دادگستری

ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعليمات مقام قضایی، در کشف جرم، بازجویی مقدماتی، حفظ آثار و دلایل جرم، جلوگیری از فرار و مخفی شدن او، ابلاغ اوراق قضایی مانند احضاریه و اجراء تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می نمایند و عبارتند از:

- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
- روسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان مانند فرار زندانیان، ارتکاب جرائم توسط زندانیان در داخل زندان و...
- مأمورین نیروی مقاومت بسیج که برابر قوانین خاص و در محدوده وظایف محوله اقدام می نمایند. (توضیح: برابر قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۱ به نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اجازه داده می شود تا همانند ضابطین قوه قضاییه هنگام برخورد با جرائم مشهود، در صورت عدم حضور ضابطین دیگر یا عدم اقدام به موقع آنها یا اعلام نیاز آنان به منظور جلوگیری از این رفتان آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش، اقدامات قانونی لازم را به عمل آورند).
- سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آنان محول کند.
- مقامات و مأمورینی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می شوند مانند مأمورین محیط زیست در ارتباط با جرائم زیست محیطی و شکار و ...
- در هر صورت گزارش کلیه ضابطین در صورتی اعتبار و ارزش دارد که موثق و مورد اعتماد قضایی باشد.

ضابطین دادگستری مکلفند دستورات مقامات قضایی را اجرا کنند. ریاست و نظارت بر ضابطین از حیث وظایفی که به عنوان ضابط دارند، با دادستان است. ضابطین به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرایم غیرمشهود مرابت را برای کسب تکلیف و اخذ دستور لازم به مقام ذی صلاح قضایی اعلام می کنند. در خصوص جرایم مشهود نیز تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ وسائل و ادوات و آثار جرم و جلوگیری از فرار متهم یا تبانی، معمول می دارند. همچنین تحقیقات مقدماتی را انجام داده و بلاfacسله به اطلاع مقام قضایی می رسانند.

توضیح: جرایم مشهود جرایمی هستند که:

- در حضور ضابطین واقع شده باشد.
- بلاfacسله مأمورین در محل وقوع جرم حضور یابند.
- مأمورین بلاfacسله آثار جرم را پس از وقوع مشاهده کنند.
- دو نفر یا بیشتر ناظر وقوع جرم بوده باشند.

نمونه ای از شکایت نامه

ریاست محترم دادسرای عمومی و انقلاب...
با سلام / احتراماً اینجانب فرزند..... مقیم.....
از آقای / خانم تحت عنوان (کلاهبرداری،
فحاشی، آسیب بدنی عمدی) شکایت دارم. نامبرده در تاریخ در خیابان در حضور نفر به نام های به نشانی نسبت به من فحاشی کرد. از این رو تقاضای تعقیب کیفری و مجازات ایشان را دارم. نشانی متهم می باشد.

امضاء

در جرایم قابل گذشت که تعقیب امر کیفری موکول به شکایت شاکی است، چنانچه متصرر از جرم صغیر، غیر رشید یا مجnoon باشد و به ولی، قیم و سرپرست قانونی اش دسترسی نباشد یا اینکه خود سرپرست نسبت به او مرتكب جرم شده باشد، قاضی شخص دیگری را به عنوان قیم موقت تعیین می کند یا اینکه خودش امر کیفری را تعقیب کرده و اقدامات لازم را برای حفظ جمع آوری دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل می آورد. شاکی حق دارد هنگام تحقیقات، گواهان خود را معرفی و دلایل خود را بیان کند و از صورت جلسه تحقیقات مقدماتی (که با محترمانه بودن تحقیقات منافات ندارد)، با هزینه خودش رونوشت بگیرد.

همچنین شاکی حق دارد از قضایی تقاضای تأمین ضرر و زیان کند که در این صورت اگر درخواست او مبتنی بر دلایل قابل قبول باشد، قضایی قرار "تأمین خواسته از اموال متهم" را صادر می کند.

نمونه درخواست تأمین خواسته در امر کیفری

ریاست محترم شعبه.....
با سلام
احتراماً اینجانب فرزند..... مقیم..... به عنوان صدور یک فقره چک بلا محل به تاریخ و به شماره به مبلغ عهده بانک از آقای / خانم مقیم شاکی هستم.

گواهی عدم پرداخت بانک و کمی مصدق چک به عنوان دلیل پیوست می باشند.

ضمیماً مطابق ماده ۷۴ قانون آینین دادرسی داگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، تقاضای تأمین و توقيف اموال متهم را (به مبلغ مندرج در چک) دارم.

امضاء

شمول صلاحیت دادسراها خارج می باشد. درخصوص این جرایم و نحوه رسیدگی به آنها، در بخش "دادگاه های کیفری استان" توضیح کافی ارایه خواهد گردید.

پس از اطلاع دادستان، حسب مورد موضوع به دادیار یا بازپرس ارجاع می شود. در اموری که به بازپرس ارجاع می شود، دادستان حق نظرات و دادن تعليمات لازم را خواهد داشت و در صورتی که تحقیقات بازپرس را ناقص ببیند، می تواند تکمیل آنرا بخواهد و لو اینکه بازپرس تحقیقات خود را کامل بداند.

دادستان همچنین می تواند در تحقیقات مقدماتی که به وسیله بازپرس صورت می گیرد حضور یافته و ترتیب تحقیقات را ارزنده کی مشاهده نماید.

صدور قرار تأمین

بازپرس در مراجعته با متهم مکلف به صدور قرار تأمین می باشد (قرارهای تأمین به صورت مشروح در قسمت دعاوی کیفری بیان شده است). بازپرس خودش رأساً یا به تقاضای دادستان، می تواند در کلیه مراحل تحقیق، قرار بازداشت موقت متهم، قرار اخذ تأمین و همچنین تبدیل تأمین صادر نماید.

در صورت صدور قرار بازداشت توسط بازپرس، پرونده می بایست ظرف ۲۴ ساعت جهت اظهارنظر نزد دادستان ارسال شود. در صورتی که دادستان با قرار بازداشت صادره موافق نباشد نظر دادستان ملاک خواهد بود. در صورتی که متهم موجبات بازداشت را مرتفع ببیند، می تواند از بازپرس تقاضای رفع بازداشت خود را بنماید. در این صورت بازپرس مکلف است ظرف ۱۰ روز از تاریخ تنظیم درخواست، نظر خود را جهت اتخاذ تصمیم نزد دادستان ارسال نماید. لازم به ذکر است متهم نمی تواند در هر ماه بیش از یک مرتبه از این حق استفاده کند.

در صورتی که متهم وجه التزام داده یا تودیع وثیقه نموده باشد، در مواقعی که حضور او در دادسرا یا دادگاه لازم باشد و احضار شود و بدون عذر موجه حاضر نگردد، به دستور دادستان وجه التزام و وثیقه او به نفع دولت ضبط می شود.

هرگاه متهم کفیل معرفی کرده باشد، در موقعی که حضور او لازم باشد و حاضر نشود، به کفیل اخطار می شود که ظرف ۲۰ روز مکفول خود را معرفی نماید. در غیر این صورت از کفیل وجه الکفاله اخذ می شود.

در صورتی که بازپرس با موافقت دادستان قرار بازداشت صادر نماید و متهم تا دو ماه در بازداشت بماند در حالی که پرونده اتهامی او متنه بـ صدور تصمیم نهایی در دادسرا نشده باشد، مرجع صادر کننده دستور لغو یا تخفیف قرار را صادر خواهد نمود مگر اینکه دلایل کافی جهت ادامه

- متضرر از جرم بلاfacسله پس از وقوع آن، شخص معینی را به عنوان مرتكب جرم معرفی نماید.

- علایم، آثار، اسباب و دلایل جرم بلاfacسله پس از وقوع آن در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب و دلایل یاد شده به متهم ثابت شود.

- متهم بلاfacسله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته باشد یا در حال فرار دستگیر شود.

- در مواردی که صاحب خانه بلاfacسله پس از وقوع جرم ورود مأمورین را به خانه خود درخواست کند یا وقتی که متهم ولگرد باشد.

ضابطین دادگستری در تحقیقات مقدماتی حق اخذ تأمین از متهم را ندارند و باید در اسرع وقت نتیجه اقدامات خود را به اطلاع مرتع قضایی برسانند. همچنین نمی توانند متهم را در بازداشت نگهدارند اما چنانچه در جرایم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، موضوع اتهام با ذکر دلایل بلاfacسله به طور کتبی به متهم ابلاغ می شود. در این گونه موارد نیز حداقل تا مدت ۲۴ ساعت می توانند متهم را تحت نظر نگهدارند و در اولین فرستادت باید مراتب جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسد.

در جرایم غیرمشهود نیز بازرسی منازل، اماكن و اشیاء و جلب اشخاص باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد، هر چند اجرای تحقیقات به طور کلی از طرف مقام قضایی به ضابطین ارجاع شده باشد. ضابطین پس از ورود مقام قضایی تحقیقاتی را که انجام داده اند به وی تسلیم می کنند و دیگر حق مداخله ندارند مگر به دستور آن مقام.

گزارش ها و نامه هایی را که هویت گزارش دهنگان و نویسندهان آنها مشخص نیست، نمی توان مبنای شروع به رسیدگی قرار داد مگر آنکه دلالت بر وقوع امر مهمی کنند که موجب اخلال در نظم و امنیت عمومی است مانند بمب گذاری و ... یا دارای قرایینی است که به نظر قاضی برای شروع به تحقیقات کافی است.

هرگاه کسی اعلام کند که خود ناظر وقوع جرمی بوده و جرم مذکور دارای جنبه عمومی باشد (مثل قتل عمدى)، این اظهار برای شروع به تحقیقات کافی است هر چند دلایل دیگر برای این کار وجود نداشته باشد. پس اگر اعلام کننده شاهد قضیه نباشد، به صرف اعلام او نمی توان شروع به تحقیق کرد مگر آنکه دلایلی برای صحت ادعای او وجود داشته باشد.

۲- تحقیقات مقدماتی

پس از تقديم شکایه یا وقوع شهود (به شرحی که توضیح داده شد)، مراتب فوراً به دادستان اعلام می شود. نکته قابل توجه اینکه جرایمی که مطابق قانون صرفاً در صلاحیت دادگاه های کیفری استان هستند، از

در خواست دادستان وى را تعقیب نمود. این امر مانع از رسیدگی به دادخواست ضرر و زیان مدعی خصوصی نمی باشد.

نقش دادسرا در مرحله دادرسی

رسیدگی ماهوی به جرایم در جلسات دادگاه های کیفری، باید با حضور دادستان یا نماینده دادسرا تشکیل شود زیرا در دادرسی ها دادستان " مدعی دعوى عمومی " است. بنابراین می بایست در دادگاه حاضر شود و از خواسته جامعه دفاع کند و با اظهار نظر منطقی و اصولی خود دعوى کیفری را در جهت حسن اجرای قوانین و احراق حق و اجرای عدالت سوق دهد.

۳- اجرای احکام کیفری

اجرای احکام کیفری هرگاه خارج از اقدامات بی واسطه دادگاه باشد، با دادستان است. دادستان در باب اجرای احکام کیفری تعليمات لازم را به مأمورین ذی ربط می دهد و در صحت اجرای حکم و عدم تغییق و تعطیل آن نظارت می نماید.

همچنین درخصوص صدور حکم آزادی مشروط نیز پس از ارایه پیشنهاد دادیار ناظر زندان در این مورد، موافقت دادستان ضروری می باشد. لغو آزادی مشروط نیز به تقاضای دادستان صورت می گیرد. در خصوص چگونگی اجرای احکام کیفری و تشکیلات مربوطه در قسمت اجرای احکام توضیحات مفصل ارایه گردیده است.

بازداشت وجود داشته باشد (لازم به ذکر است در جرایمی که در صلاحیت دادگاه کیفری استان می باشد، مدت فوق چهار ماه است).

در تحقیقات مقدماتی، دفاعیات متهم و اظهارات شاکی و شهود و مطلعین می بایست به صورت کامل استماع و در صورت لزوم نظریه کارشناس نیز اخذ شود. در صورت عدم حضور شهود و مطلعین بدون عذر موجه، بازپرس می تواند با موافق دادستان نسبت به جلب آنها اقدام نماید.

ختم تحقیقات

پس از پایان تحقیقات بازپرس آخرین دفاع متهم را استماع نموده و با اعلام ختم تحقیقات و اظهار عقیده خود، پرونده را نزد دادستان ارسال می نماید. عقیده بازپرس در هر حال یکی از موارد ذیل می باشد:

- ۱- عمل متهم متضمن جرمی نبوده یا اصولاً جرمی واقع شده است.
- ۲- عمل متهم جرم بوده و قرار مجرمیت صادر می نماید.

دادستان ظرف پنج روز پرونده را ملاحظه و نظر خود را اعلام می نماید. در حالت نخست، قرار " منع یا موقوفی تعقیب متهم " صادر و در صورت موافقت با مورد دوم، کیفرخواست صادر و پرونده به دادگاه صالحه ارسال می شود.

در کیفرخواست نکات ذیل می بایست تصریح شود:

۱- نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، محل اقامت متهم، میزان سواد، وضعیت تأهل

۲- نوع قرار تأمین با قید اینکه متهم بازداشت است یا آزاد

۳- نوع اتهام

۴- دلایل اتهام

۵- مواد قانونی مورد استناد

۶- سابقه محکومیت کیفری در صورتی که متهم دارای سابقه محکومیت کیفری باشد

۷- تاریخ و محل وقوع جرم

در صورت صدور قرارهای منع یا موقوفی تعقیب، شاکی می تواند ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ به آن اعتراض نماید. در این صورت موضوع در دادگاه صالحه در جلسه اداری خارج از نوبت و بدون حضور دادستان رسیدگی می شود. رأی صادره از دادگاه در این خصوص قطعی خواهد بود. هر گاه به علت " ناکافی بودن دلایل " قرار منع تعقیب متهم صادر و قطعی شده باشد، دیگر نمی توان به همین اتهام او را تعقیب نمود مگر اینکه دلایل جدیدی کشف شوند که در این صورت فقط برای یک مرتبه می توان به

عمومی را برهم می زند، دارای جنبه عمومی است. در این میان پاره ای از جرایم علاوه بر آنکه جنبه عمومی دارند، واجد جنبه خصوصی نیز هستند یعنی از ارتکاب آنها الزاماً شخص یا اشخاص معینی متضرر می شوند مانند کلاهبرداری و سرقت که علاوه بر برهم زدن نظم عمومی و داشتن جنبه عمومی، به اموال شخص دیگری ضرر می رسانند اما جرایمی چون ولگردی، حمل و نگهداری مشروبات الکلی و مواد مخدر، رانندگی بدون پروانه لازم و... صرفاً جنبه عمومی دارند و از ارتکاب آنها الزاماً کسی متضرر نمی شود. از این رو هدف دعوی عمومی، بازگشت نظم در جامعه و ایجاد آرامش در شهر و ندان است حال آنکه هدف دعوی خصوصی جبران خسارت های مادی یا معنوی ناشی از جرم است که به شخص یا اشخاص معینی وارد آمده است.

همچنین از حیث جنبه عمومی، مجازات فقط بر شخصی که مرتكب جرم شده و همکاران و همدستان او قابلیت اعمال دارد و ورثه او مسؤولیتی ندارند ولی از حیث جنبه خصوصی حتی پس از فوت مرتكب، ورثه او مسؤولیت دارند و باید خسارت وارده را از اموال به جا مانده از مورث خود جبران کنند. با این حال خسارت هایی که ناشی از جرم هستند، با دعوی عمومی ارتباط دارند و قانون برای جلوگیری از صدور تصمیم های متفاوت در موضوعاتی که منشأ واحد دارند، تسریع در رسیدگی، اجرای صحیح تر عدالت و استفاده از دلایل مشابه در دعوی عمومی و خصوصی، به شاکی خصوصی اجازه می دهد تا ادعای خود را به عنوان مدعی خصوصی در دادگاه (رسیدگی کننده به امر کیفری) طرح و اقامه دعوا کند. برای مثال آقای (الف) در تصادف رانندگی، علاوه بر صدمه بدنی، اتومبیل نیز خسارت می بیند. در این حالت او می تواند برای جبران خسارت وارده به اتومبیل در همان دادگاه رسیدگی کننده به جرم (ایراد صدمه بدنی غیر عمدی به واسطه بی احتیاطی در امر رانندگی)، ادعایش را طرح کند.

۲- مهلت و چگونگی طرح دعوی خصوصی ناشی از جرم
اصل بر این است که برای طرح ادعای خصوصی، متضرر از جرم باید مهلت ها و تشریفاتی را رعایت کند و هزینه هایی را بپردازد. البته کاهی اوقات متضرر از جرم از این امر معاف است و آن هنگامی است که قانون صریحاً او را از این امر معاف کرده باشد. برای مثال در جرایم سرقت و کلاهبرداری، قانون دادگاه را مکلف کرده تا در حکم خود، علاوه بر تعیین مجازات برای مرتكب، وضعیت خسارت ها و ضررها ناشی از ارتکاب جرم را که به مال باخته وارد آمده را نیز روشن کند. در این گونه جرائم متضرر از جرم، نیاز به تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه ندارد. در حال



چگونگی و نحوه مطالبه خسارت ناشی از جرم

مقدمه:

یکی از موضوع های مورد بحث میان متخصصان آینین دادرسی کیفری، نحوه مطالبه ضرور و زیانی است که به واسطه ارتکاب جرم به وجود می آید. فرض کنیم در حادثه رانندگی شخصی مرتكب آسیب بدنه به دیگری می شود و علاوه بر آن به اتومبیل او نیز خسارت وارد می کند. در اینجا سؤال هایی پیش می آید. برای مثال آیا دادگاه علاوه بر کیفر مقصص و الزام او به پرداخت دیه، به خسارت اتومبیل و تامین منافعی که شخص مصدوم به واسطه حادثه متحمل می شود و پرداخت خسارت منافع ممکن الحصول حکم خواهد داد؟ اگر پاسخ مثبت است چگونه و با چه روشهایی؟ حال اگر شخص مقصص نیز فوت کرده باشد، آیا می توان این خسارت ها را از ورثه او مطالبه کرد؟ نقش بیمه در این حالت چه می باشد؟ و...

برای پاسخ به این پرسش ها ضروری است تا به بیان مقدمات و اصول دعوای خصوصی ناشی از جرم پردازیم:

۱- جنبه عمومی و خصوصی جرم

جرائم یعنی فعل یا ترک فعل برخلاف قانون که دارای مجازات است و از آنجایی که این فعل یا ترک فعل برخلاف هنگارهای جامعه بوده و نظم

حاضر در کشور ما متضرر از جرم تا قبل از اینکه دادگاه پایان دادرسی را اعلام کند، مهلت دارد تا ادراخواست ضرر و زیان خود را تقدیم کند. اما سوالی که مطرح می شود آن است که او چه خسارات هایی را می تواند از مرتكب جرم مطالبه کند؟ مطابق مقررات کنونی ضرر و زیانهای زیر از مرتكب جرم قابل مطالبه است:

- ضرر و زیان های مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده باشد مانند خسارتی که در اثر تصادف به اتومبیل شاکی وارد می آید.
- منافعی که امکان به دست آوردن آن وجود داشته ولی مدعی خصوصی در اثر ارتکاب مجرم به جرم، از آن محروم و متضرر شده است.
- در امور کیفری ضرر و زیان مادی یا مالی، خسارتی است که بر اثر ارتکاب جرم به اموال و دارایی شاکی وارد می شود که گاه به صورت از بین رفتن کامل مال و گاه به صورت کاهش قیمت آنهاست. در پاره ای از موارد ارتکاب جرم موجب محروم شدن شخص از منافعی می شود که انتظار می رفت شاکی آن را در وضعیت عادی به دست آورد.

از بین رفتن منفعت در اثر ارتکاب جرم، به دو صورت قابل تصور می باشد. برای مثال اگر شخصی کارگر شاغلی را به طور غیر قانونی توقیف کند و مانع کارکردن او و دریافت دستمزدش شود، هرگاه این عمل صورت نگیرد، آن کارگر به طور یقین دستمزد خود را دریافت خواهد کرد. در مقابل این گونه منافع مسلم، منافع محتملی نیز وجود دارد و آن منافعی است که در صورت عدم وقوع جرم، احتمالاً عاید کارگر (توقیف شده) می شد. برای مثال ممکن است در مسئله قبلی کارگر مدعی شود که اگر توقیف صورت نمی گرفت، او می توانست با پیمانکار دیگری قرارداد منعقد و دستمزد بیشتری دریافت کند. سپس با پول حاصل از این قرارداد مقداری ارز خریداری کرده و با توجه به نوسان بازار، سود سرشاری به دست



آورد. بنابراین چنانچه ملاحظه می شود امکان تامین تمام این منافع محتمل بوده و چه بسا عکس قضیه نیز صادق باشد یعنی کارگر در صورت عمل به نیاتی که در سر داشته (و در اثر توقیف غیر قانونی تحقق نیافته)، دچار زیان می شد. از این رو این گونه منافع (منافع احتمالی)، قابل مطالبه نیستند زیرا هیچ رابطه مستقیمی بین جرم ارتکابی (توقیف غیر قانونی) و این منافع وجود ندارد.

۳- شرایط اقامه دعوای خصوصی

برای اینکه متضرر از جرم بتواند دعوای ضرر و زیان خود را در مقابل دادگاه اقامه کند، باید علاوه بر دارا بودن اهلیت، در طرح دعوا نیز ذی نفع باشد. مقصود از اهلیت آن است که متضرر از جرم به طور قانونی دارای شایستگی و صلاحیت دارا شدن حق و اعمال آن را داشته باشد. چه بسا اشخاصی دارای اهلیت برای دارا شدن حق باشند ولی به طور قانونی قادر به اعمال آن نباشند مثلاً اشخاص دیوانه یا کودکان از حیث قانون می توانند مانند سایر اشخاص از حقوق بهره مند شوند ولی برای اعمال حق خود نیاز به سرپرست و قیم دارند. بنابراین برای طرح دعوای خصوصی، شخص باید دارای اهلیت باشد و اگر صغار و مجانین (کودکان و دیوانه ها) یا سایر اشخاصی که در تصرف در اموال خود ممنوع هستند (مانند تجار و رشکسته) بخواهند دعوای خصوصی ناشی از جرم را اقامه کنند، این عمل باید توسط ولی یا قیم یا نایانده قانونی آنها صورت گیرد. علاوه بر اهلیت، متضرر از جرم باید دارای منفعت نیز باشد و از اقامه دعوا ذی نفع گردد. پس اگر در حادثه ای شخص (الف) مصدوم شد و به او خسارت وارد آمد، اوست که در اقامه و طرح دعوا ذی نفع است نه همسایه اش.

همچنین ضرر باید مستقیماً ناشی از جرم باشد برای مثال در جرم سرقت، تنها خسارت ها و ضرر های وارد شده به اموال مسروقه که مستقیماً ناشی از جرم سرقت است قابل مطالبه می باشند نه هزینه هایی که مال باخته برای نصب سیستم ایمنی منزل و دزدگیر متحمل شده است.

علاوه بر این موارد، خسارت وارد شده باید قانونی و مشروع نیز باشد. بنابراین دعوای مطالبه ضرر ناشی از "سرقت مواد مخدر" یا ضرر و زیان ناشی از "قمار بازی" قابل مطالبه نمی باشد.

۴- دعوای خصوصی ناشی از جرم از سوی غیر بزه دیده

اگر چه دعوای خصوصی ناشی از جرم اصولاً متعلق به بزه دیده است ولی در پاره ای در موقع، وراث و قائم مقام های قانونی بزه دیده نیز



اولاً: باید توجه داشت که مقامات قضایی در حال حاضر به دو دسته تقسیم می شوند:

-کسانی که در دادسرا به عنوان دادستان، دادیار یا بازپرس و در دادگاه به عنوان ریس شعبه یا دادرس انجام وظیفه می کنند. برابر قانون، بازپرس یا دادستان و دادیار، در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب، باید تکلیف اشیا و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله وقوع جرم بوده، از جرم به دست آمده یا حین ارتکاب از آنها استفاده شده را تعیین کند تا مسترد، ضبط یا معذوم شود. برای مثال در جرم سرقت، اموال به مالباخته مسترد می شود، در جرم حمل مشروبات الکلی، مواد مزبور معذوم می شوند و در جرم نگهداری تجهیزات ماهواره ای، این تجهیزات به نفع دولت ضبط می شوند (البته در مورد ضبط اموال، دادگاه باید تصمیم بگیرد نه دادسرا). همچنین این مقامات مکافد مدام که پرونده نزد آنان در جریان است، (به تقاضای ذی نفع)، اشیا و اموال را برایت شرایط زیر به او باز پس دهند:

- وجود آن اموال در بازپرسی لازم نباشد.
- اشیا و اموال بلاعارض باشند.

- اشیا و اموال مزبور در شمار اشیا و اموالی نباشند که باید ضبط یا معذوم شوند.

در مرحله دادرسی و محاکمه نیز دادگاه باید ضمن صدور حکم یا پس از آن، تکلیف اشیا و اموال را مبنی بر ضرورت در ضبط، معذوم کردن یا مسترد داشتن آنها مشخص کند.

ثانیاً: در تصادف ها اصل بر آن است که پس از ترسیم کروکی و انجام کارشناسی، نیازی به وجود وسائل نقیه و توقیف آنها نیست و با درخواست ذی نفع باید از آن رفع توقیف شود.

می تواند تحت شرایطی خسارت ناشی از جرم را مطالبه کنند.

گاهی اوقات زیان دیده از جرم در زمان حیات خود اقدام به طرح دعوی خصوصی و مطالبه ضرر و زیان می کند ولی قبل از صدور رأی دادگاه، فوت می کند. در این صورت ورثه و گانشین قانونی او پس از مرگ دعوی را تعقیب کرده و از کلیه حقوقی که متوفی برخوردار بوده بهرهمند خواهد شد.

چنانچه بزه دیده قبل از طرح دعوی خصوصی فوت کند، باز هم ورثه و گانشین قانونی او از همان حقوق متوفی برخوردار خواهد شد.

لازم به ذکر است که در مورد جبران خسارت معنوی (اعم از حیثیتی یا عاطفی) که کاملاً جنبه شخصی دارد، وضع فرق می کند هرچند در حال حاضر در مورد پذیرش این گونه خسارات ها، علی رغم نص صریح قانون اساسی، متأسفانه دادگاه ها چه در مقام عمل و چه در رویه قضایی خود، برای جبران این گونه خسارت ها تمایل کمتری نشان می دهند و عملاً این گونه ادعاهای را کمتر مورد توجه قرار می دهند.

سؤال- در مواردی که شخص ثالثی خسارت های بزه دیده را پردازد، آیا او می تواند به قائم مقامی از شاکی علیه مرتكب جرم طرح دعوی کند؟ به عنوان مثال آیا شرکت بیمه می تواند پس از پرداخت خسارت به بیمه شده علیه مرتكب، دعوی خصوصی اقامه کند؟

جواب- برابر قانون بیمه (ماده ۳۰)، بیمه گر تنها در حدودی که خسارت-های واردہ را قبول یا پرداخت می کند، در مقابل اشخاصی که مسؤول وقوع حادثه یا خسارت هستند قائم مقام بیمه گذار خواهد بود.

سؤال- چنانچه مقصو و مرتكب جرم فوت کند، آیا خسارت هایی که به واسطه عمل او به وجود آمده از وراث او قابل مطالبه است؟

جواب- برابر قانون هرگاه "در امور مالی" قبل از صدور حکم قطعی متهم فوت کند، ادعای خصوصی به قوت خود باقی خواهد بود. در این مورد اگر چه مجازات به واسطه فوت او اعمال نمی شود، اما بدھی و دینی که بر اثر ارتکاب جرم بر ذمه اوست، از سوی ورثه اش باید جبران شود. البته باید توجه داشت که ورثه هنگامی مسؤولیت پرداخت خسارت هارا داردند که اموال به جا مانده از متوفی را که در اصطلاح ترکه می گویند، بپذیرند.

نکته:

اغلب در تصادف ها شاهد هستیم که وسائل نقیه به پاسگاه یا پارکینگ های شهرداری منتقل می شوند. سؤال این است که برای رفع توقیف از اتومبیل ها چه باید کرد؟ اگر وسیله نقیه در اختیار مالک نبود و در هنگام تصادف در اختیار شخص دیگری قرار داشت، چگونه و چه کسی می تواند تقاضای رفع توقیف کند؟ پاسخ این است که:

نمونه دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم

مشخصات طرفین	نام	نام	خانوادگی	پدر	نام	شغل	شهر- خیابان- کوچه شماره- پلاک	محل اقامت
خواهان	عباس	مولایی	حیدر	راننده	تهران- خیابان...- پلاک...			
خوانده	حسین	اسدی	رضا	معلم	تهران- خیابان...- پلاک...			
وکیل یا نماینده قانونی	مشخصات وکیل یا نماینده قانونی در صورت داشتن							
تعیین خواسته و بهای آن	مطالبه مبلغ ... ریال بابت ضرر و زیان ناشی از تصادف و خسارت وارده به اتومبیل و مبلغ ... ریال بابت هزینه دادرسی و سایر خسارت ها							
دلایل و منضادات دادخواست	۱- محتويات پرونده کلاسه ... کیفری ۲- نظریه کارشناس ۳- کپی مصدق سند مالکیت اتومبیل ۴- کپی مصدق گواهی تاکسیرانی ۵- کپی مصدق تعمیرگاه مجاز ایران خودرو							

ریاست محترم دادگاه عمومی تهران

با سلام

احتراماً حسب محتويات پرونده کلاسه ... خوانده در تصادف راننده مقصر شناخته شده و برابر نظر کارشناس مبلغ ... ریال به اتومبیل اینجانب که مشخصات آن در سند مالکیت آمده خسارت وارد شده است. از طرفی بنده راننده تاکسی هستم و از تاریخ تصادف تا زمان تعمیر اتومبیل حدوداً یک ماه بیکار شدم که گواهی شرکت تاکسی رانی و تعمیرگاه مجاز پیوست می باشد. حداقل دستمزد روزانه اینجانب ... ریال می باشد از این رو خواهشمند است خوانده را به پرداخت خسارت وارده و هزینه های دادرسی و سایر خسارت ها الزام کرده و حکم به محکومیت ایشان صادر فرمایند.

محل امضاء- مهر- انگشت



نمونه درخواست

ریاست محترم شعبه ...

بازپرس محترم شعبه ...

دادیار محترم شعبه ...

با سلام - احتراماً اینجانب فرزند مالک اتومبیل

(با مشخصات کامل) که در حادث رانندگی در اتومبیل ام در پاسگاه توقیف می باشد، چنانچه در امر تحقیقات و رسیدگی نیازی به آن نباشد دستور فرمایند از وسیله مزبور رفع توقیف شود.

امضاء

سؤال- اگر در هنگام تصادف راننده شخص دیگری غیر از مالک اتومبیل باشد، آیا می تواند چنین درخواستی را مطرح نماید؟

جواب- در این مورد منع وجود ندارد زیرا اتومبیل مال منقول است و اصل بر آن است که متصرف آن (راننده) هنگام تصادف بتواند تقاضای توقیف کند مگر آنکه ثابت شود اتومبیل از طریق غیرقانونی مانند سرقت و ... به دست او رسیده است یا اینکه راننده فاقد گواهی نامه باشد.

پی نوشت:

- اموال بلاعارض: اموالی هستند که شخص یا اشخاصی نسبت به آنها ادعایی نداشته باشند و مالکیت صاحبیش بر آن، برای مقام قضایی محرز و آشکار باشد.

جرائم تعقیب، رسیدگی یا اجرای حکم متوقف می‌شود، گذشت باید به صراحت و بدون هیچ گونه قید و شرطی باشد. بنابراین به گذشت مشروط و معلق در مراجع قضایی ترتیب اثر داده نخواهد شد. برای مثال شخص (الف) از شخص (ج) به عنوان فحاشی شکایت می‌کند ولی با وساطت آشنایان و فامیل‌ها از شکایت خود صرف نظر می‌کند. پس در رضایت نامه می‌نویسد که اگر (ج) تعهد کند که دیگر برای او ایجاد مزاحمت نمی‌کند و به او ناسزا نخواهد کفت، حاضر است رضایت دهد. به این گونه سازش نامه‌ها که دارای قید و شرط است، در دادسرا و دادگاه ترتیب اثر داده نمی‌شود زیرا رضایت (الف) بسته به آن است که (ج) متعهد گردد در آینده مرتکب عمل موردنظر شخص (الف) نخواهد شد. از این رو اعلام رضایت باید بدون هیچ گونه ابهام و قید و شرط باشد.

نمونه سازش نامه
ریاست محترم شعبه... تاریخ: ...
با سلام
احتراماً اینجانب شاکی پرونده کلاسه که تحت عنوان (فحاشی و...) از آقای / خانم شکایت کرده بودم، با توجه به مذاکرات اصلاحی و وساطت ریش سفیدان محل، بدین وسیله منجزاً (بدون هیچ قید و شرطی) رضایت خود را اعلام می‌کنم و هیچ گونه شکایتی از ایشان در امر کیفری ندارم.
امضاء

نکته:

در اینجا باید به دو مسئله توجه داشت: یکی آنکه گاهی اوقات پس از اعلام رضایت توسط شاکی و مختومه شدن پرونده، متهم در صدد برミ آید که به عنوان مفتری علیه شاکی اعلام جرم کند. یعنی ادعایی می‌کند که شاکی با سوء نیت، به قصد ضرر رساندن به او و متهم کردن او به عمل مجرمانه از وی شکایت کرده است. به همین دلیل برای جلوگیری از این امر در انتهای سازش نامه‌ها اضافه می‌کنند:
(آقای / خانم..... نیز حالیه اعلام می‌دارد که او نیز از آقای
شکایتی نداشته و در این پرونده ادعایی نسبت به یکیگر ندارند.) و پس از مفاد سازش نامه به امضای هر دو نفر می‌رسد.

مسئله دیگر آن است که معمولاً شهروندان محترم با تفاوت‌های موجود بین مسائل کیفری و مدنی کاملاً آشنا نیستند و در نتیجه در هنگام تنظیم



سازش در دعاوی کیفری و مدنی

مقدمه:

جرائم یعنی عملی که ترک یا انجام آن از نظر قانون قابل مجازات باشد و پس از ارتکاب، موجب برهم زدن نظم اجتماعی شود. جرایم در یک دسته بندی عده به دو نوع قابل گذشت و غیرقابل گذشت تقسیم می‌شوند. جرایم قابل گذشت به جرایمی کفته می‌شود که قانونگذار به لحاظ رعایت مصالح اجتماعی یا خانوادگی جنبه خصوصی آنها را بر جنبه عمومی شان برتری داده است و تعقیب آنها موكول به شکایت شاکی است. حتی پس از اعلام شکایت نیز شاکی حق دارد از تعقیب متهم صرف نظر کند. بنابراین با اعلام گذشت او، تعقیب متهم متوقف خواهد شد. جرایمی چون ترک اتفاق، فحاشی، افسای سر، تخریب اموال و ... از جمله جرایم قابل گذشت به شمار می‌روند. بر عکس، در جرایم غیر قابل گذشت اعلام شکایت یا گذشت شاکی تأثیری در امر تعقیب ندارد و نماینده جامعه (دادستان) مکلف است به محض اطلاع، متهم را تحت تعقیب قرار دهد. البته باید توجه داشت که در جرایم غیر قابل گذشت اعلام رضایت شاکی در اخذ تصمیم نهایی دادگاه درباره متهم، با رعایت شرایطی که به آنها خواهیم پرداخت موثر خواهد بود. از جمله این جرایم عبارتند از: شرب خمر، کلاهبرداری، قتل عمدی، سرقت، مزاحمت تلفنی و ...

صلاح و سازش در جرایم قابل گذشت

در جرایم قابل گذشت یعنی جرایمی که با گذشت شاکی و متضرر از

اثر گذشت شاکی در جرایم غیرقابل گذشت قبل از صدور حکم قطعی

مفهوم از حکم قطعی حکمی است که قابل اجراست (با کمی تسامح می توان این تعریف را پذیرفت). هرگاه قبل از قطعی شدن حکم شاکی اعلام رضایت کند، به موجب بند ۱ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی دادگاه می تواند مجازات متهم را تخفیف دهد یا نوع مجازات را تغییر دهد. برای مثال به جای حبس او را به پرداخت جزای نقدی محکوم کند.

اثر گذشت در جرایم غیرقابل گذشت بعد از صدور حکم قطعی

فرض کنیم شخصی به اتهام سرقت تحت تعقیب قرار می گیرد و پس از رسیدگی، به تحمل یک سال حبس محکوم می شود اما پس از گذشت یک ماه از مدت حبس، موفق می شود که رضایت شاکی را جلب نماید. مطابق قانون هرگاه شاکی در این گونه جرایم بعد از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف نظر کند، محکوم می تواند با استناد به رضایت شاکی از دادگاه صادر کننده حکم قطعی (دادگاهی که به موجب حکم آن شخص متهم مجازات می شود) که حسب مورد می تواند دادگاه بدروی یا دادگاه تجدید نظر استان باشد)، درخواست کند که در میزان مجازات او تجدید نظر کند. در این صورت دادگاه مزبور به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده رسیدگی کرده و مجازات را در صورت اقتضا در حدود قانون تخفیف می دهد.

نمونه درخواست

ریاست محترم دادگاه

با سلام
احتراماً اینجانب به موجب حکم قطعی شماره
صادره از آن دادگاه محترم به تحمل (حبس - جزای نقدی - شلاق -) محکوم شدم، با توجه به اعلام گذشت شاکی، به استناد ماده ۲۷۷ قانون آینین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری تقاضای تخفیف مجازات دارم. قبل از عنایتی که خواهید فرمود سپاسگزارم.

امضاء

سازش نامه ها به آنها توجه نمی نمایند. فرض کنیم شخص (الف) شیشه اتمبیل شخص (ج) را با سنگ شکسته است. پس از تعقیب متهم در دادسرای (ج) اعلام رضایت می کند و می گوید از (الف) شکایت کیفری ندارد. در این مورد باید توجه داشت که این اعلام رضایت فقط برای جلوگیری از تعقیب متهم و مجازات اوست و دلالت بر عدم دریافت خسارت از او ندارد یعنی شخص (ج) همچنان در قبال عمل خود مسؤولیت مدنی دارد و شاکی می تواند برای دریافت خسارت، وی را تحت تعقیب قرار دهد. در این گونه موارد چنانچه مقصود شاکی از اعلام رضایت در هر دو جنبه کیفری و مدنی موضوع باشد، یا اینکه شاکی پس از دریافت خسارت، رضایت خود را (مبنی بر عدم اعمال مجازات کیفری متهم) اعلام کرده باشد، مراتب باید به طور کامل در متن سازش نامه آورده شود. مثلاً: ... و هیچ گونه ادعای کیفری و مدنی از ایشان ندارم.

نکته دیگر آنکه پس از اعلام گذشت، شاکی دیگر نمی تواند از گذشت خود برگردد و دوباره تقاضای تعقیب کند چون پس از اعلام گذشت (در جرایم قابل گذشت)، امر تعقیب ممکن نخواهد بود.

شاکیان متعدد

هرگاه متضررین از جرم متعدد باشند، تعقیب جزایی با شکایت هر یک از آنها شروع می شود ولی موقوف شدن تعقیب، موقول به گذشت همه کسانی است که شکایت کرده اند. باید توجه داشت که حق گذشت، در صورت فوت شاکی به ورثه او خواهد رسید و در صورت گذشت همگی وراث، تعقیب، رسیدگی یا اجرای مجازات موقوف می شود.

صلح و سازش با متهم در جرایم غیرقابل گذشت

برخلاف دعوا خصوصی که متعلق به زیان دیده از جرم است، دعوا عمومی حق مدعی العموم یا دادستان می باشد در نتیجه دادستان یا هر مقام قضایی دیگری که عهده دار امر تعقیب است، مکلف می باشد دعوا عمومی را به جریان انداخته و تا رسیدن به نتیجه نهایی آن را پی گیری کند. بنابراین امکان صلح و سازش بین دادسرای دادگاه با متهم وجود ندارد. اما در جرایم غیرقابل گذشتی که شاکی خصوصی نیز وجود دارد (مانند سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و...)، اعلام گذشت شاکی در تخفیف مجازات متهم موثر می باشد. این تأثیر در دو حالت متصور است: یکی قبل از صدور حکم قطعی و دیگری پس از صدور حکم قطعی.

نحوه اجرای احکام کیفری

**نحوه اجرای قتل غیر عمدی و آسیب بدنی غیر عمدی
ناشی از بیاحتیاطی در امر رانندگی**

اگر بناست حکم در خصوص شما اجرا شود...
معمولًا در پرونده های "قتل غیر عمدی و آسیب بدنی غیر عمدی
ناشی از بیاحتیاطی در امر رانندگی" شخص مقصربه حبس یا جزای
نقدی و نیز پرداخت دیه در حق مصدوم یا ورثه متوفی محکوم می شود.
به طور مثال اگر آقای ایمان احمدی محکوم^{علیه}^۱ پرونده ای فرضی باشد،
رأی دادگاه به او ابلاغ می شود. آرای صادره از دادگاه ها قطعی یا
قابل تجدید نظر هستند. چنانچه رأی دادگاه قطعی باشد یا آنکه قطعی
نبوده و به قطعیت درآید، پس از ابلاغ قابل اجرا خواهد بود.

اجرای حکم با دایره اجرای احکام دادسرایی است که در حوزه دادگاه
صادرکننده رأی بدوى واقع شده است. ابتدا پرونده به نظر دادیار اجرای
احکام می رسد و در صورت عدم وجود ایراد یا ابهام قانونی در دادنامه،
به دفتر دستور ثبت پرونده را می دهد و قید می کند که محکوم علیه
برای اجرای حکم حضار شود.

نمونه احضاریه محکوم^{علیه}

برگ احضاریه	
نام و نام خانوادگی	
نام پدر	
شغل	
محل اقامت	
محل حضور	دفتر اجرای احکام دادسرای ناحیه ^۴ تهران (رسالت)
وقت حضور	ساعت روز ماه ۱۲۸
ضرورت دارد شما به عنوان محکوم علیه طرف سه روز پس از رؤیت در این اجرای احکام حاضر شوید /.	
دفتر اجرای احکام دادسرای ناحیه ^۴ تهران (رسالت)	محل امضاء و مهر شعبه صادر کننده
تاریخ رؤیت	امضاء احضار شونده
نام و نام خانوادگی و محل امضاء مامور	
اگر احضار شونده بدون عذر موجه در وقت مقرر حاضر نشود، برگ جلب فرستاده خواهد شد	

سازش در امور مدنی

برخلاف امور کیفری که از حیث جنبه عمومی سازش بین دادستان و متهم قابل تصور نمی باشد، در امور مدنی خواهان و خوانده (اصحاب دعوا) در هر مرحله از دادرسی می توانند دعوی خود را راه سازش خاتمه دهند. سازش بین طرفین یا در دفتر استناد رسمی واقع شده، یا در دادگاه تنظیم می شود. چنانچه سازش در دفتر استناد رسمی واقع شده باشد، دادگاه ختم موضوع را برابر سازش نامه در پرونده قید می کند و پس از آن مطابق مقررات اجرای استناد رسمی، این سازش نامه قابلیت اجرایی خواهد داشت.

اگر سازش در دادگاه واقع شود، موضوع سازش و شرایط آن به ترتیبی که واقع شده توسط دادگاه صورت جلسه می گردد و به امراضی قاضی و اصحاب دعوا می رسد. اما اگر سازش در خارج از دادگاه و در دفتر استناد رسمی واقع گردد یا اینکه سازش نامه غیر رسمی باشد (مانند آنکه اصحاب دعوا در منزل خود سازش نامه ای را با حضور دو نفر گواه تنظیم کرده باشند)، باید در دادگاه حاضر شوند و به صحت و درستی آن اقرار نمایند. سپس دادگاه مفاد اقرار شان را صورت جلسه کند و این صورت جلسه توسط قاضی دادگاه و طرفین امضا شود. در صورت عدم حضور طرفین در دادگاه بدون عذر موجه، دادگاه بدون توجه به مندرجات سازش نامه، دادرسی را ادامه داده و در اصل قضیه تصمیم گیری خواهد کرد.

هر کسی می تواند در مورد هر ادعایی به طور کتبی از دادگاه درخواست کند که طرف مقابل او را برای سازش به آنجا فراخواند و دادگاه نیز طرف مقابل را برای سازش دعوت می کند. بعد از حضور طرفین، دادگاه اظهارات هر دو طرف را استماع نموده و سعی در ایجاد سازش می کند. اگر برای قاضی ثابت شود که طرفین به توافق نمی رستند و حاضر به سازش نیستند، آنها را برای طرح دعوا ارشاد می کند. در صورت ایجاد سازش بین طرفین، دادگاه رسیدگی را پایان داده و گزارش اصلاحی صادر می کند. مفاد سازش نامه که طبق مقررات تنظیم می شود، نسبت به طرفین و ورثه و قائم مقام قانونی آنها معتبر می باشد و مانند احکام دادگاه ها به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.

نحوه اجرای حکم محکومیت به حبس:

برای اجرای حکم حبس، ابتدا محکوم علیه احضار و در صورت عدم حضور جلب می شود. در مورد حبس نیز مانند جزای نقدی چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم مدتی را در بازداشت به سر برده باشد آن ایام برای او محاسبه شده و از مدت حبس او کسر خواهد شد. در چند حالت امکان دارد محکوم علیه تمام مدت حبس را تحمل نکند:

- الف: چنانچه محکوم علیه برای بار اول به علت ارتکاب جرم به مجازات حبس محکوم شده و نصف آنرا گذرانده باشد، دادگاه صادر کننده رأی قطعی می تواند تحت شرایطی حکم به آزادی مشروط او صادر نماید. برای مثال، آقای ایمان احمدی به یک سال حبس محکوم شده و به زندان معزوفی می شود. او برای برخورداری از آزادی مشروط باید شش ماه از حبس را تحمل کند. در این حالت چنانچه شرایط زیر محقق گردد، وی با موافقت دادستان و دادگاه صادر کننده حکم قطعی از آزادی مشروط برخوردار خواهد شد.
- در مدت اجرای مجازات به طور مستمر از خود حسن اخلاق نشان دهد.
- تا جایی که استطاعت دارد ضرر و زیان شاکی را پردازد.
- قاضی ناظر زندان گواهی کند که او دارای حسن اخلاق بوده و احتمال ارتکاب جرم از سوی او در آینده منتفی است.

ب: روش دیگری که محکوم علیه می تواند از تحمل حبس به طور کلی خلاصی یابد، آن است که رضایت شاکی خود را به دست آورد. چنانچه موفق به اخذ رضایت شد، می تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی درخواست تخفیف مجازات نماید.

نمونه درخواست تخفیف مجازات

ریاست محترم شعبه دادگاه عمومی

احتراماً اینجانب ایمان احمدی فرزند اصغر محکوم علیه پرونده کلاسه برابر رضایت نامه شماره ثبت دفتر استناد رسمی شماره مطابق ماده ۲۷ قانون آینین دادرسی دادگاه عمومی و انقلاب در امور کیفری درخواست تخفیف مجازات را دارم. قبلًا از عنایت سپاسگزارم.

امضاء
نام و نام خانوادگی

برای پیگیری پرونده، چه "محکوم علیه" و چه "محکوم له" به شماره پرونده اجرای احکام نیاز دارد. از این رو بهتر است از مدیر اجرا، شماره پرونده اجرای احکام را درخواست نماید.

نحوه اجرای حکم محکومیت به جزای نقدی

اگر محکوم علیه در رأی دادگاه به جزای نقدی محکوم شده باشد، باید به دایره اجرای احکام مراجعه و معادل مبلغ جزای نقدی به حساب صندوق دولت در بانک ملی واریز. رسید یا قبض پرداخت را تحويل دایره اجرای احکام نماید و در انتها یک نسخه از آن رسید را برای خود نگهدارد. گاه ممکن است محکوم علیه توان پرداخت جزای نقدی را نداشته باشد. در این حالت اگر جزای نقدی را نپردازد و مالی هم از او به دست نیاید، به دستور قاضی "صادر کننده حکم بدوى" به ازای هر ۱۰۰ هزار ریال یک روز بازداشت می شود و در هر حال حداقل مدت بازداشت اول از جزای نقدی او نباید از پنج سال بیشتر باشد. در همین جا باید توجه شود که اگر محکوم علیه قبل از صدور حکم محکومیت "به واسطه نداشتن ضامن یا پرداخت وثیقه مدنی" در بازداشت باشد، این مدت در هنگام اجرای حکم برای او منظور و در قبال حبس یا جزای نقدی محاسبه می شود. بنابراین اگر فرض کنیم که آقای ایمان احمدی قبل از صدور حکم به لحاظ "نداشتن ضامن" ۲۰ روز در زندان بازداشت بوده و به موجب رأی دادگاه او به پرداخت دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم شده باشد، دیگر وجهی بابت محکومیت پرداخت نخواهد کرد زیرا آن ۲۰ روز برای او محاسبه شده است.

نمونه قبض جزای نقدی

تاریخ.....	
بانک ملی ایران	
شماره حساب ۹۰۰۲۴ نام صاحب حساب: درآمد دادگستری	
مبلغ (به عدد) ۸۰۰۰۰ ریال	
بدینویله تایید می شود که مبلغ (به حروف) هشتصد هزار ریال بابت محکومیت آقای / خانم موضوع پرونده شماره ۱۴۶ ۱۰۸۵ / ۸۲ دریافت و به حساب فوق منظور گردید.	
نام و نشانی پرداخت کننده	
امضاء پرداخت کننده	
بانک ملی ایران	
شعبه	

"همچنین امکان دارد محاکوم علیه از پرداخت دیه حتی به طور "قطعی" عاجز باشد. در این حالت باید از دادگاه صادر کننده حکم بدروی درخواست اعسار نماید که فرم آن شبیه فرم دادخواست تقسیط است. باید توجه داشت که اگر محاکوم علیه دیه را نپردازد و توان پرداخت اقساط را نیز نداشته باشد و از او مالی نیز به دست نیاید به درخواست شاکی تازمان پرداخت دیه در جبس باقی خواهد ماند.

سؤال: اگر آقای ایمان احمدی در سال ۸۰ مرتکب قتل غیر عمدی شود و در سال ۸۲ نیمی از دیه را بپردازد، آیا پرداخت باقی مانده دیه طبق نرخ

سال ۸۳ برای او محاسبه می شود؟

جواب: پاسخ مثبت است از این رو بهتر است دیه به صورت یکجا پرداخت شود.

سؤال: اگر اتومبیل آقای ایمان احمدی بیمه باشد، برای پرداخت دیه چه اقداماتی را باید از طریق بیمه انجام دهد؟

جواب: باید به دایره اجرای احکام مراجعه کرده و کپی تایید شده این مدارک را درخواست کند: ۱- رأی دادگاه -۲- گواهی پزشکی قانونی -۳- کروکی افسر کارдан فنی -۴- گزارش اولیه کلانتری و ...

نحوه اجرای حکم محکومیت به صدور چک بلا محل

اگر بناست حکم در خصوص شما اجرا شود...

معمول‌آور پرونده های صدور چک بلا محل که شخص صادر کننده به مجازات جبس محکوم می شود، پس از قطعیت حکم و ابلاغ رای، مجازات در مورد او اعمال می شود.

ممکن است صادر کننده چک در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشود یا وقت دادگاه برای حضور و دفاع به او ابلاغ نشده باشد و دادگاه بدون حضور متهم او را به تحمل مجازات محکوم کرده باشد. بنابراین ممکن است یک نفر به نحو "حضوری" یا "غیابی" محکوم شود.

مقصود از حکم غیابی حکمی است که متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده یا برای دفاع، لایحه فرستاده باشند یا وقت دادگاه به صورت واقعی به متهم ابلاغ نشده باشد. پس اگر متهم یا وکیل او در جلسه دادگاه حاضر شوند یا اگر حاضر نشوند، برای دفاع از خود لایحه فرستاده باشند یا اینکه جلسه دادگاه به صورت واقعی به آنها ابلاغ شده باشد، حکم صادره حضوری است.

نحوه اجرای حکم به پرداخت دیه:

اصولاً محاکوم علیه از زمان وقوع حادثه (نه صدور حکم) دو سال وقت دارد تا دیه شاکی را بپردازد اما با توجه به تورم اقتصادی و افزایش نرخ دیه در هر سال، بهتر است که پس از قطعیت حکم به ویژه هنگامی که محاکوم علیه اتومبیل خود را بیمه کرده، نسبت به پرداخت دیه اقدام کند. البته محاکوم علیه می تواند با موافقت شاکی مهلت بیشتری نیز درخواست کند.

گاه ممکن است محاکوم علیه توان پرداخت دیه را به صورت یکجا نداشته باشد و بخواهد آن را به صورت اقساط پرداخت کند. وی برای تحقق این امر می تواند از دادگاه صادر کننده حکم بدروی درخواست تقسیط نماید. مفاد این درخواست در اوراق چاپی ای که "دادخواست تقسیط" نام دارد نوشته شده و تقدیم دادگاه می شود.

نموفه فرم دادخواست تقسیط

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	نام	شغل	محل اقامه شهر- خیابان- کوچه شماره- پلاک
خواهان	ایمان	احمدی	حسین	کارمند		
خوانده						مصدومین یا ورثه متوفی
وکیل یا نماینده قانونی						
تعیین خواسته و بهای آن						تقاضای صدور حکم به تقسیط دیه موضوع دادنامه شماره صادره از دادگاه محترم شعبه
دلایل و منضمات دادخواست						شهادت شهود، محتویات اجرایی پرونده کلاسه استشهادیه محلی، تصویری از حکم کارگزینی
ریاست محترم دادگاه عمومی						احتراماً اینجانب ایمان احمدی، فرزند حسین که به اتهام ایراد صدمه بدنی غیر عمدی ناشی از بی احتیاطی در امر رانندگی که به موجب دادنامه شماره صادره از دادگاه محترم شعبه به پرداخت دیه محکوم گردیده ام، با توجه به دلایل و منضمات دادخواست، نظر به اینکه به علت مشکلات مالی و پایین بودن درآمد، قادر به پرداخت یکجا و کامل دیه نمی باشم، لذا از آن دادگاه محترم تقاضای صدور حکم به تقسیط دیه را دارم.
محل امضاء - مهر - انگشت						

"همچنین امکان دارد محکوم علیه از پرداخت دیه حتی به طور "قطعی" عاجز باشد. در این حالت باید از دادگاه صادر کننده حکم بدروی درخواست اعسار نماید که فرم آن شبیه فرم دادخواست تقسیط است. باید توجه داشت که اگر محکوم علیه دیه را نپردازد و توان پرداخت اقساط را نیز نداشته باشد و از او مالی نیز به دست نیاید به درخواست شاکی تازمان پرداخت دیه در جبس باقی خواهد ماند.

سؤال: اگر آقای ایمان احمدی در سال ۸۰ مرتکب قتل غیر عمدی شود و در سال ۸۲ نیمی از دیه را بپردازد، آیا پرداخت باقی مانده دیه طبق نرخ سال ۸۳ برای او محاسبه می شود؟

جواب: پاسخ مثبت است از این رو بهتر است دیه به صورت یکجا پرداخت شود.

سؤال: اگر اتومبیل آقای ایمان احمدی بیمه باشد، برای پرداخت دیه چه اقداماتی را باید از طریق بیمه انجام دهد؟

جواب: باید به دایره اجرای احکام مراجعه کرده و کپی تایید شده این مدارک را درخواست کند: ۱- رأی دادگاه -۲- گواهی پزشکی قانونی -۳- کروکی افسر کارдан فنی -۴- گزارش اولیه کلانتری و ...

نحوه اجرای حکم محکومیت به صدور چک بلا محل

اگر بناست حکم در خصوص شما اجرا شود...
معمول‌آور پرونده های صدور چک بلا محل که شخص صادر کننده به مجازات جبس محکوم می شود، پس از قطعیت حکم و ابلاغ رای، مجازات در مورد او اعمال می شود.

ممکن است صادر کننده چک در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشود یا وقت دادگاه برای حضور و دفاع به او ابلاغ نشده باشد و دادگاه بدون حضور متهم او را به تحمل مجازات محکوم کرده باشد. بنابراین ممکن است یک نفر به نحو "حضوری" یا "غیابی" محکوم شود.

مقصود از حکم غیابی حکمی است که متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده یا برای دفاع، لایحه فرستاده باشند یا وقت دادگاه به صورت واقعی به متهم ابلاغ نشده باشد. پس اگر متهم یا وکیل او در جلسه دادگاه حاضر شوند یا اگر حاضر نشوند، برای دفاع از خود لایحه فرستاده باشند یا اینکه جلسه دادگاه به صورت واقعی به آنها ابلاغ شده باشد، حکم صادره حضوری است.

نحوه اجرای حکم به پرداخت دیه:

اصولاً محکوم علیه از زمان وقوع حادثه (نه صدور حکم) دو سال وقت دارد تا دیه شاکی را بپردازد اما با توجه به تورم اقتصادی و افزایش نرخ دیه در هر سال، بهتر است که پس از قطعیت حکم به ویژه هنگامی که محکوم علیه اتومبیل خود را بیمه کرده، نسبت به پرداخت دیه اقدام کند. البته محکوم علیه می تواند با موافقت شاکی مهلت بیشتری نیز درخواست کند.

گاه ممکن است محکوم علیه توان پرداخت دیه را به صورت یکجا نداشته باشد و بخواهد آن را به صورت اقساط پرداخت کند. وی برای تحقق این امر می تواند از دادگاه صادر کننده حکم بدروی درخواست تقسیط نماید. مفاد این درخواست در اوراق چاپی ای که "دادخواست تقسیط" نام دارد نوشته شده و تقدیم دادگاه می شود.

نموفه فرم دادخواست تقسیط

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	شهر- خیابان- کوچه شماره- پلاک	محل اقامت
خواهان	ایمان	احمدی	حسین	کارمند		
خوانده						مصدومین یا ورثه متوفی
وکیل یا نماینده قانونی						
تعیین خواسته و بهای آن					تعاضای صدور حکم به تقسیط دیه موضوع دادنامه شماره صادره از دادگاه محترم شعبه	
دلایل و منضمات دادخواست					شهادت شهود، محتویات اجرایی پرونده کلاسه استشهادیه محلی، تصویری از حکم کارگزینی	
ریاست محترم دادگاه عمومی						ریاست محترم دادگاه عمومی
احتراماً اینجانب ایمان احمدی، فرزند حسین که به اتهام ایراد صدمه بدنی غیر عمدی ناشی از بی احتیاطی در امر رانندگی که به موجب دادنامه شماره صادره از دادگاه محترم شعبه به پرداخت دیه محکوم گردیده ام، با توجه به دلایل و منضمات دادخواست، نظر به اینکه به علت مشکلات مالی و پایین بودن درآمد، قادر به پرداخت یکجا و کامل دیه نمی باشم، لذا از آن دادگاه محترم تعاضای صدور حکم به تقسیط دیه را دارم.						
محل امضاء - مهر - انگشت						

باید از دادگاه تهران یعنی آخرین دادگاهی که حکم محکومیت او را صادر کرده تقاضای ادغام پرونده هارا بنماید تا یک مجازات در مورد او اعمال شود.

نمونه درخواست ادغام

ریاست محترم شعبه دادگاه عمومی
احتراماً اینجانب احمد خانزادی فرزند محمد رضا به اتهام صدور
چک های بلا محل و متعدد به موجب دادنامه های ۱- شماره
صادره از دادگاه شیراز ۲- شماره صادره از دادگاه اصفهان
۳- شماره صادره از این دادگاه محترم، به تحمل حبس تعزیری
محکوم شده ام. از این رو در اجرای ماده ۱۸۴ قانون آینین دادرسی
دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، تقاضای نقض کلیه
احکام قبلی و صدور حکم واحد را دارم.
نام و نام خانوادگی امضاء

به موجب این تقاضا، آقای احمد خانزادی فقط باید یک مجازات را تحمل کند که این مجازات بین شش ماه تا دو سال حبس تعزیری می باشد.
توضیح: در سال ۱۳۸۲ قانون مجازات چک اصلاح شد و در مجازات های مقرر در صدور چک بلا محل اصلاحاتی صورت گرفت که برخی از این اصلاحات از حیث مجازات، به نفع بعضی از محکومین چک می باشد. از این رو اشخاصی که در حال تحمل مجازات حبس "به موجب قانون سابق" هستند، می توانند از شعبه تشخیص دیوان عالی کشور درخواست اعاده دادرسی بنمایند تا مجازات خفیف تر در مورد آنها اعمال شود.

نمونه درخواست اعاده دادرسی

ریاست محترم شعب تشخیص دیوان عالی کشور
احتراماً اینجانب احمد خانزادی فرزند محمد رضا به موجب دادنامه
شماره ... صادره از دادگاه شعبه عمومی تهران به اتهام یک فقره
صدر چک بلا محل به عهده بانک به مبلغ ... میلیون ریال به
تحمل دو سال حبس محکوم گردیده ام، با توجه به قانون اصلاح صدور
چک مصوب ۱۳۸۲ تقاضای اعاده دادرسی دارم.
نام و نام خانوادگی امضاء

در صورت پذیرش این درخواست توسط شعبه تشخیص دیوان عالی کشور، مجازات کمتر در مورد محکوم علیه اعمال خواهد شد.

پی نوشت:

۱- محکوم علیه: کسی است که حکم علیه او صادر شده است.